



# دین پژوهی از منظر ابن کمونه (تحلیل درون مایه کتاب تنقیح الأبحاث)

دکتر علی نقی منزوی

نشریه کتاب ماه فلسفه، آبان ۱۳۸۷، شماره ۱۴، ۷۳ - ۹۰

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

- دین پژوهی از منظر ابن کمونه ..... ۱
- تحلیل درون مایه کتاب تنقیح الأبحاث ..... ۱
- علت تألیف کتاب و تاریخ آن ..... ۱
- اضافات و تغییرات در برخی از نسخ التنقیح ..... ۲
- اسلوب کتاب ..... ۳
- الف) اسلوب کتاب در استدلال و تشکیک ..... ۳
- ب) اسلوب کتاب عربی ..... ۵
- نسبت کتاب به ابن کمونه ..... ۶
- مطالب کتاب ..... ۱۱
- باب اول: معرفی کلی نبوت ..... ۱۱
- باب دوم: نبوت یهود ..... ۱۳
- باب سوم: نبوت مسیحیت ..... ۱۳
- باب چهارم: نبوت اسلام ..... ۱۴
- منابع التنقیح ..... ۱۴
- ابن جوزی (۵۱۰-۵۹۷ ق / ۱۱۱۶ - ۱۲۰۰ م) ..... ۱۵
- ابن سینا (۳۷۵-۴۲۸ ق / ۹۸۰-۱۰۳۷ م) ..... ۱۵
- عرفان ابن سینا ..... ۱۷
- ابن زکریا (۲۵۱-۳۱۳ ق / ۸۵۵-۹۲۵ م) ..... ۱۸
- ابن کوفی (۲۵۴-۳۴۸ ق / ۸۶۸-۹۵۹ م) ..... ۲۰
- ابن ملکا بغدادی (د: ۵۴۷ ق / ۱۱۵۲ م) ..... ۲۰
- ظهیرالدین علی بن زید بیهقی (د: ۵۶۵ ق / ۱۱۶۹ م) ..... ۲۱

- ۲۱..... ابن میمون (۵۳۰ - ۶۰۳ ق / ۱۱۳۵ - ۱۲۰۴ م) .....
- ۲۳..... ابن وحشیه (د: ۲۹۶ ق / ۹۰۸ م) .....
- ۲۳..... جوینی (۴۱۹ - ۴۷۸ ق / ۱۰۲۸ - ۱۰۸۵ م) .....
- ۲۴..... سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م) .....
- ۲۶..... غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱ م) .....
- ۲۷..... فخرالدین رازی (۵۴۳ - ۶۰۶ ق / ۱۱۴۸ - ۱۲۰۹ م) .....
- ۲۸..... یحیی بن عدی بن حمید (د: ۳۶۳ ق / ۹۷۳ م) .....
- ۲۸..... ردیه‌ها بر التنقیح .....
- ۲۸..... ابن ساعاتی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م) .....
- ۲۹..... ماردینی (د: ۷۸۸ ق / ۱۳۸۶ م) .....
- ۳۰..... رساله‌ای در اثبات نبوتها .....
- ۳۱..... باب اول .....
- ۳۲..... باب دوم .....
- ۳۳..... ردیه ابن محرومه .....
- ۳۴..... ردیه سمرقندی .....
- ۳۵..... کتاب‌نامه .....
- ۳۵..... نمایه کتاب و مقاله .....

## دین‌پژوهی از منظر ابن‌کمونہ

### تحلیل درون‌مایه کتاب تنقیح الأبحاث

تصحیح و مقدمه‌نگاری: دکتر علی‌نقی منزوی

ترجمه: علی‌علی‌محمدی

مؤلف در دیباچه کتاب می‌نویسد: «عملت هذه المقالة في تنقيح الأبحاث لملل الثلاث.....» و با این نقل قول کتاب به این اسم شهرت یافت و برخی از شرح حال‌نگاران مؤلف، کلمه «تنقیح» را از ابتدای آن حذف کرده و آن را الأبحاث لملل الثلاث نامیده‌اند.

چلبی در کشف الظنون از آن با عنوان تنقیح الأبحاث في البحث عن الممل الثلاث یاد کرده است و معاصر قدوة الحكماء عزالدوله و الدین ابن‌کمونہ، سعد فرزند منصور فرزند حسن فرزند هبة‌الله فرزند کمونہ (د: ۶۸۳ ق / ۱۲۸۴ م)، عبدالرزاق بن فوطی بغدادی (د: ۷۲۳ ق / ۱۳۲۳ م) درباره حوادث سال ۶۸۳ ق سخن گفته است (بنگرید به: تنقیح الأبحاث لملل الثلاث، تحقیق آقای دکتر علی‌نقی منزوی، برگه ۲۸ - ۲۹).

### علت تألیف کتاب و تاریخ آن

مؤلف در دیباچه کتاب (بند ۲) می‌نویسد: «مذاکراتی صورت گرفت که ضرورت یافت تا این نوشته را در بازنگری و اصلاح مسائل ادیان سه‌گانه یهود، مسیحیت و دین مسلمانان تهیه کنم...».

مفاد مذاکراتی که صورت گرفته و به تألیف چنین کتابی منجر شده، چه بوده است؟

ما از جزئیات آن اطلاعی نداریم تا جواب روشنی در این زمینه ارائه دهیم، اما شاید آن چه در کتاب‌های تاریخ برای ما باقی مانده و برخی از آن‌ها را در صفحات ۳ - ۶ تحت عنوان «عصر مؤلف» ذکر کردم، بعضی از ابهامات آن را روشن می‌سازد. دراثنای شورش مردم ضد ابن‌کمونہ، تمسکای مغول، حاکم عراق و مجدالدین ابن‌اثیر، صاحب دیوان وی و مهذب‌الدوله نصر بن ماشعیری، نماینده حکومت در بغداد بودند.

دین‌پژوهی از منظر ابن‌کُمونه

۲

دشمنی ابن‌اثیر با آل‌شمس‌الدین، صاحب دیوان و کشته‌شده به دست ارغون، و وفاداریش به یهود معروف است. این سه تن همان کسانی بودند که ابن‌کُمونه را از سرنوشت سیاهش به دست مردم نجات دادند. شاید در اثر آزادی مناظرات و مناقشات دینی، بعد از فروپاشی خلافت و مهار سرکشی فقیهان و علمای متعصب اسلامی، بزرگان یهود به تبلیغ دینی تشویق شده باشند. هم‌چنان که علمای شیعی نیز از این آزادی برای تبلیغ مذهبشان بهره جستند و فردی از آل‌طاووس در حله به این کار اقدام کرد. از سوی دیگر فلاسفه و از جمله خواجه نصیرالدین طوسی از این فضا برای توسعه و گسترش فلسفه و دفاع علنی از نظریات ابن‌سینا در مقابل خشکاندیشی‌های فخرالدین رازی و سلفش غزالی سود جستند.

دلیل دیگر بر وجود چنین فضایی بعد از سقوط بغداد، طرح شبهات در اثبات واجب برای بحث و مناقشه از سوی نجم‌الدین دبیران قزوینی و شبهات دیگری که حسین بن ولید اسماعیلی آن‌ها را گردآوری کرده و پاسخ داده است<sup>۱</sup>. بعید نیست که گرایش و اعتماد مغول به یهود شرایطی را فراهم کرد تا آنان از این آزادی استفاده کنند. به هر روی تنقیح الأبحاث در چنین محیطی تألیف شده و تألیف آن در جمادی الآخرة ۶۷۹ق / اکتبر ۱۲۸۰م به پایان رسیده، چنان که در انتهای نسخه برلین آمده است: «نجز تصنيف ذلك في جمادی الآخرة من تسع و سبعين و ستمائة هجرية هلالية و السلام».

### اضافات و تغییرات در برخی از نسخ التنقیح

فضای آزاد دینی که سخن آن رفت، چندان دوامی نیافت و اسلام‌آوردن تکودار (احمد) (۶۸۰ - ۶۸۳ق) برخی از اختیارات را به رجال دینی اهل سنت بازگرداند و یهود را به عقب‌نشینی وادار کرد و شاید اضافاتی که در باب چهارم التنقیح که به نبوت اسلام اختصاص دارد، دیده می‌شود، در دوران دو ساله زمام‌داری تکودار؛ یا بعد از آن برای التیام احساسات جریحه‌دار شده مسلمانان صورت گرفته باشد؛ زیرا همه این اضافات تأییداتی بر دین اسلام است و فقط در نسخه‌های اسلامی، از جمله نسخه ایاصوفیا، تهران و بغداد دیده می‌شود و در دو نسخه‌ای که به خط عبری موجود است و نیز نسخه آنجلیکا که کاتبی مسیحی

<sup>۱</sup> الايضاح و البيان، حسین بن ولید (د: ۶۶۷ق / ۱۲۶۸م)، مسئله ۱۱ و ۱۷.

دین‌پژوهی از منظر ابن‌کمون

۳

به خط عبری کتابت کرده است، اثری از این اضافات وجود ندارد. این تفاوت میان نسخه‌های دیگر کتاب که در کتابخانه‌های دیگر نگهداری می‌شود، به چشم می‌خورد.

### برای مثال:

- در نسخه‌های اسلامی، در دو بند ۲۴۲ و ۲۸۵، هنگام دفاع از نظر مسلمانان، مؤلف با واژه «اجبت» پاسخ را به خود نسبت می‌دهد، در حالی که در نسخ دیگر فعل مجهول «اجیب» درج شده است؛

- در بند ۲۷۰ هنگام دفع جنبه منفی از یهود می‌گوید: «ممنوع»، در حالی که در نسخه‌های اسلامی ذکر شده «فممنوع عندهم» که این ضمیر هم به یهودیان بازمی‌گردد؛

- در بند ۲۶۹ پاسخ به مسلمانان با واژه «قول» آغاز می‌شود، در حالی که در نسخه‌های اسلامی آمده است: «اورد علیه...»، گویی که می‌خواهد خودش را تبرئه کند.

برای آگاهی از این اضافات خاص نسخه‌های اسلامی بنگرید به بندهای ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰ (سه مورد)، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵.

به نظر می‌رسد که این اضافات و جرح و تعدیل‌ها در دوره تکوین نتیجه مطلوبی نداشته است؛ زیرا بعد از سقوط وی، یعنی پس از چهار سال از تألیف کتاب، مردم بغداد ضد ابن‌کمون شوریدند که شرح آن را ابن‌فوطی آورده است، مگر این که بگوییم این اضافات به دست کاتبان مسلمان صورت گرفته باشد که بعید است.

## اسلوب کتاب

### الف) اسلوب کتاب در استدلال و تشکیک

مؤلف در دیباچه کتاب (بند ۳) وعده داده که دینی را بر دین دیگر ترجیح ندهد و در عمل نیز تلاش کرده که هنگام معرفی ادیان ثلاثه بی‌طرفی خود را نشان دهد. از همین رو، برخلاف اغلب متکلمان بر مخالف خود بی‌رحمانه نمی‌تازد و از مناقشه و بحث خسته و بی‌حوصله نمی‌شود؛ بلکه فضا را برای بحث و جدل باز می‌گذارد و در استدلال‌هایش، آن قطعیتی که نزد متکلمان سراغ داریم، وجود ندارد.

دین‌پژوهی از منظر ابن کمونه

۴

هم‌چنین جملاتش را غالباً با «لَعَلَّه كَذَا...»؛ «وَيُمْكِنُ أَنْ يُقَالَ كَذَا...»؛ «وَلَا يَبْعَدُ أَنْ يُقَالَ...»؛ «وَرُبَّمَا حَصَلَ الْإِيمَانُ...» آغاز می‌کند و چه بسا تردیدهای جدیدی، حتی هنگام معرفی عقاید یهود، وارد می‌کند. از همین روست که ابن‌محرومه مسیحی به التنقیح پاسخ داده و بر این اسلوب ابن کمونه خرده گرفته و بر مواضعی نیز تردید روا داشته است، از جمله: درباره این قول مؤلف «لَعَلَّه لِتَثْبِيتِ الْمَعْجِزَةِ...» (بند ۱۲۸)، ابن‌محرومه گفته است: در آن اظهار، شک وجود دارد؛ در تعلیق بند «(۱۵۲: ۲۲) درباره عبارت «و عسی ما زادوه إنَّه كان بوحی من الله»، ابن‌محرومه گفته است: اگر مؤلف یقین داشت، نمی‌گفت: «عسی...»<sup>۱</sup>.

اما محیط یهودی مؤلف موجب شده که نوع بحث و مناقشه وی درباره مسائل تفاوت کند. زیرا وی زمانی که به ذکر ادله مسلمانان و مسیحیان فرا می‌رسد، ادله کم اهمیت و بی ارزش را بیان می‌کند و با پاسخ‌های قوی‌تر به آن‌ها جواب می‌دهد. هم‌چنین هنگامی که به ذکر اعتقادات یهود می‌پردازد، به تشریح آن پرداخته و اعتراضات جزئی و کم ارزشی را درباره آن‌ها وارد می‌کند. ابن کمونه در این دو حالت می‌کوشد که بی‌طرفی خود را وانمود کند.

**ابن‌محرومه در شرح أقوال فِرَق مختلف مسیحی درباره کیفیت یکی بودن تثلیث که در کتاب التنقیح ذکر شده، می‌نویسد:** مؤلف به رغم این که در آغاز کتاب تصریح داد که «در این باره چیزی از روی هوی نگفتم» بدان پای‌بند نبوده است. چیزی که می‌خواهم در این باره بگویم این است که از انحرافات او این که هنگام بحث درباره یهود، به ذکر فرقه‌های آن نپرداخته، در حالی که فرقه‌های مسیحی را تک‌تک ذکر کرده است.

از دیگر انحرافات او این است که هنگامی که درباره یهود سخن می‌گوید، پاسخ‌ها را از ردیه‌ها جدا نمی‌کند، اما اعتراض را آورده و در همان زمان به آن‌ها پاسخ می‌دهد تا این که همه آورده شوند، گمان می‌کنم که وی با این اغراق‌گویی در صد افترازدن بوده است.

<sup>۱</sup> حواشی ابن‌محرومه علی کتاب تنقیح الأبحاث للملث الثلاث لابن کمونه، ابن‌محرومه (ز: ۱۲۹۶م)، ابوالحسن بن ابراهیم بن یعقوب بن نختوما الخباز بن المحرومه، المكتبة البولسية، رم، ایتالیا، ۱۹۸۴م.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۵

ابن محرومه هم‌چنین هنگام مناقشه با مؤلف *التنقیح* درباره کارهای ایشوع ناسوتی در بند ۱۸۳ - ۱۸۴ می‌نویسد: می‌دانم که مؤلف در این مسیر به نفع یهود و علیه مسیحیت راه تعصب در پیش گرفته است، به گونه‌ای که وی به دلیل کم‌انصافیش گفته انجیل را که در این کتاب نقل کرده، تحریف نموده و یک بار چیزی به آن افزوده و بار دیگر از آن کم کرده است.

همه این‌ها مبالغه برای افترازدن و تهمت‌گویی به نصارا و منحرف کردن کلام آنان به باطل با نیرنگ‌های سوفسطایی است. به هر روی مؤلف *التنقیح* احساسات مسلمانان را در زمان حیات و پس از مرگش برانگیخته است، به گونه‌ای که ده سال پس از مرگش، مسلمانان از جمله فردی به نام مظفرالدین ابن‌ساعاتی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)، سپس ماردینی (د: ۷۸۸ ق / ۱۳۶۸ م) و دیگران ردیه‌هایی بر آن نوشته‌اند.

از مسیحیان نیز ابن محرومه در نیمه نخست قرن چهاردهم میلادی به این کار اقدام کرده است. با وجود این اگرچه مؤلف نتوانسته است بی‌طرفی خود را حفظ کند، تلاشش برای تظاهر به بی‌طرفی، به کتاب ارزش تاریخی در زمینه علم مقایسه ادیان می‌دهد.

### ب) اسلوب کتاب عربی

مؤلف در پایان بند ۲۱۸ متذکر شده که زبان عربی را می‌داند، اما نه به اندازه‌ای که به او کمک کند که فصاحت زبان را تمییز دهد و آن را به حد اعجاز برساند. با وجود این در *التنقیح* نه تنها قواعد نحوی چندان رعایت نشده؛ بلکه در قواعد صرفی نیز گاهی اهمال شده است؛ بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که آیا مؤلف از تألیف کتاب به زبان عامیانه و رایج عصر خود در بغداد تعمدی داشته است؟ یا این که محیط یهودی او موجب شده بود که وی از محیط عربی فاصله بگیرد و گاهی نیز از روحیه عربی اشباع شده باشد؟

چنین شرایطی را برای بسیاری از علمای یهود از جمله یحیی بن یوسف اندلسی در کتاب *الهدایة إلی فرائض القلوب* شاهدیم.



دین‌پژوهی از منظر ابن کمونه

۶

**وی اعتراف کرده است:** «خودم را مقصر دانستم ... برای عقب‌ماندگی ام ... و جهالتم نسبت به زبان عربی فصیح<sup>۱</sup>. همچنین ابن‌میمون (۵۳۰ - ۵۶۰ ق / ۱۱۳۵ - ۱۲۰۴ م) به صورت صحیح به قواعد نحوی زبان عربی عنایت کافی نداشت و عبارات وی حاوی الفاظ عامیانه رایج در لهجه‌های عربی مصر و اندلس آن دوره بوده است<sup>۲</sup>.

به هر روی نوشته‌های علمای یهودی عرب در قرون وسطی از اسلوب قرآن کریم متأثر نبود، در حالی که این کلام الهی تأثیر بسیاری در تألیفات مسلمانان داشته است، چرا که از خردسالی با مطالعه و حفظ آیات آن پرورش یافته و رشد می‌کنند؛ بنابراین، اسلوب مؤلف تنقیح الأبحاث چنین بوده و او همان طور که عامه مردم، نه تنها عراق؛ بلکه سوریه و فلسطین تلفظ می‌کرده‌اند، می‌نوشته است، برای مثال:

- «بعن» به جای «بعد»؛

- «قروان» به جای «قرآن»؛

- «مثلی» به جای «مثله»؛

- «رونقی» به جای «رونقه» می‌نویسد.

- و «هاء» ضمیر غایب را به «یاء» خفیفه یا «الف» ممال تبدیل می‌کند. شاید هم این مسأله حاصل تغییر خط کتاب از عبری به عربی بوده است.

این مسائل موجب شده تا در نسبت‌دادن کتاب به ابن کمونه تردید کنیم.

### نسبت کتاب به ابن کمونه

(۱) نام مؤلف در دیباچه کتاب نیست، با این که ابن کمونه در اغلب آثار بزرگش نام خود را ذکر کرده است، اما این مسأله مانع از آن نمی‌شود که کتاب به وی منسوب نباشد؛ زیرا در برخی از رسائل کوچک و مغالطاتش نام خود را نیاورده است؛

<sup>۱</sup> الهدایة إلى فرائض القلوب، یحیی بن یوسف بن باقودا اندلسی، ترجمه ابراهیم سالم بن بنیامین یهودا، المطبعة البریلیة، لیدن، ۱۹۰۷ - ۱۹۱۲، برگه ۲۳.

<sup>۲</sup> موسی بن میمون و احواله، ولفنسون، اسرائیل (ابوذوب)، چاپ قاهره، ۱۳۵۵ ق.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۷

۲) تردید مقدماتی که کتاب را به ابن کمونه نسبت داده‌اند، در خصوص صحت این انتساب، حتی برخی از کسانی که التنقیح را رد کرده‌اند، تصریح دارند که کتاب را رد کرده‌اند، نه ابن کمونه‌ای کتاب به او منسوب است:

الف) قدیم‌ترین کسی که کتاب را به ابن کمونه نسبت داده، معاصر و هم وطن وی، ابن فوطی است، به طوری که محتاطانه می‌گوید: شایع شد که کتاب تألیف ابن کمونه است. وی با این جمله تردید خود را در صحت انتساب کتاب به ابن کمونه نشان داده است؛<sup>۱</sup>

ب) نسخهٔ ردیه‌نویس مسلمانی که به ابن کمونه پاسخ داده، نزد نگارنده موجود است.

**وی در آغاز می‌نویسد:** بعد ما تأملت في الرسالة المنسوبة إلى الحكيم الفاضل عزالدولة سعد بن منصور كمونة في تنقيح الأبحاث ... (نسخهٔ عکسی کتابخانهٔ حمیدیه، شمارهٔ ۱۴۴۷، برگهٔ ۱). در حالی که ردیه‌نویس مسیحی، ابن محرومه، در انتساب کتاب به ابن کمونه تردیدی ندارد.

**بدین سبب متعجبانه می‌نویسد:** مؤلف برخلاف روش خود در تألیفات حکیمانه‌اش، در این کتاب ادعاهای واهی و تحکیمات بی‌پایه را عادت خود قرار داده است؛ زیرا وی در آثار دیگرش از عقل خود پیروی کرده و در این کتاب از نفس خود تبعیت نموده است. بدین ترتیب ابن کمونه بعد از این که با آثار دیگرش حسن شهرت یافته بود، با این کتاب نتیجهٔ کار خود را خراب کرد (پاورقی شمارهٔ ۲۷ برگهٔ ۵۸ ب).

این مسأله نشان می‌دهد که ابن محرومه کتاب‌های ابن کمونه را خوانده و به طور قطع ناسازگاری التنقیح با آثار دیگر ابن کمونه برایش روشن شده است. شاید مقصود ابن محرومه از کتاب‌هایی که حسن شهرت او را فراهم کرد، الکاشف و اللمعة باشد که به ترتیب این دو اثر را برای آل سنجری و آل جوینی تألیف کرده است.

دکتر علی‌نقی میرزوی

<sup>۱</sup> نک: الحوادث الجامعة و التجارب النافعة في المائة السابعة، ابن الفوطی، ابن الفوطی المروزی الأصل، الشیبانی البغدادی، أبو الفضل کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد بن محمد (۶۴۲-۷۲۳ ق / ۱۲۴۴-۱۳۲۳ م)، دارالکتب العلمیة، بیروت، برگهٔ ۴۴۱.

دین‌پژوهی از منظر ابن کمونه

۸

۳) آن چه که بیش از هر چیزی این گمان را که ابن کمونه مؤلف تنقیح الأبحاث بوده، از ذهن دور می‌کند، سبک زبان‌شناختی کتاب است؛ زیرا کتاب مملو از غلط‌های زبان‌شناختی، نحوی و حتی صرفی است که تألیف آن را به قلم ابن کمونه، مؤلف الکاشف، المطالب المهمة و اللمة الجوینية و آثار دیگر غیر ممکن می‌نمایاند.

سبک ابن کمونه، برخلاف دیگر نویسندگان یهود، با سبک دیگر مسلمانان تفاوتی ندارد و به طور کامل با سبک خواجه نصیرالدین طوسی و فخرالدین رازی مشابهت دارد و حتی سبک او از ابن سینا فصیح‌تر و ساده‌تر است. هر کس که آثار ابن کمونه را مطالعه کرده باشد، یقین پیدا می‌کند که او بر زبان عربی مسلط بوده و در خط‌هایی که این رساله مملو از آن است، فرو نمی‌افتد، با این که موسی پرلمان بسیاری از این اغلاط را اصلاح کرده، حتی آن‌هایی را که به طور یکسان در تمام نسخه‌ها وجود دارد و محرز است که خطای مؤلف است.

۴) تفاوت رویکرد کلامی مؤلف التنقیح و رویکرد فلسفی ابن کمونه، به طوری که می‌بینیم ابن کمونه در شرح الاصول و الجمل به جانب‌داری رویکرد عقلی ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی در مقابل فخرالدین رازی که بداشتن رویکردهای متحجرانه و قشری معروف بود، می‌شتابد<sup>۱</sup>. برخلاف این امر، مؤلف التنقیح از رویکردهای فخر رازی پیروی می‌کند. (بنگرید به: بخش «منابع التنقیح» در ادامه این مقاله)

ابن کمونه در کتاب الکاشف معجزه و سحر را همانند ابن سینا، اسماعیلیان و شیعیان تفسیر می‌کند و مؤلف التنقیح این دو را همانند غزالی، شهرستانی و متکلمان اشعری، تفسیر می‌کند.

درباره مسأله صوری که انبیا دیده‌اند، ابن کمونه، مؤلف الکاشف، آن‌ها را همانند تفسیر فلسفی ابن سینا تفسیر می‌کند، در حالی که مؤلف التنقیح آن‌ها را به شیوه کلامی و دینی تفسیر کرده است.

درباره تفسیر علم غیب ابن کمونه در الکاشف آن را پیوسته با رویکردی عقلی تبیین می‌نماید، اما در التنقیح بر مبنای نزول ملائکه تفسیر می‌کند.

<sup>۱</sup> نک: کشف الظنون، مدخل الإشارات؛ و الذریعة.

۵) سطح علمی التنقیح پایین‌تر از آثار ابن‌کمنه است، به طوری که می‌بینیم برخی از اصطلاحات فلسفی را نابه‌جا به کار برده است.

### برای مثال به این دو نمونه توجه کنید:

- واژه «الوجدان» را به مفهوم نادرستش استفاده می‌کند که ابن‌محرومه به آن اشاره کرده است.

- در دو قانون متناقض، قانون اسبق را ناسخ قرارداداده و همچنین به قانون عام و خاص اعتنایی نکرده است.

۶) تفاوت آشکار اسلوب و باب اول کتاب با اسلوب سایر باب‌ها، به گونه‌ای که شائبه و تصور مشارکت بیش از یک نفر در تألیف آن احساس می‌شود.

نگارنده پس از بررسی کتاب‌های دیگر ابن‌کمنه تردیدی در مشترک‌بودن برخی از مضامین این کتاب و کتاب‌های دیگر تردیدی ندارد، اگر چه در لفظ و بیان متفاوت باشند.

هم‌چنین از همه این‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در دخالت ابن‌کمنه در تألیف این رساله تردیدی نیست.

هم‌چنین می‌توان فرض کرد که آن را بر بعضی از شاگردان یهودیش املا کرده و شاگردانش آن را با لهجه سوری نوشته‌اند؛ یا این که گروهی از شاگردانش در تألیف آن مشارکت داشته‌اند و شاید با گفتن «مذاکراتی صورت گرفت که ضرورت یافت این رساله را تهیه کنم» (تنقیح، بند ۲) به این مسأله اشاره کرده است.

**مؤلف در باب سوم (بند ۱۸۲، ۱۳) می‌نویسد:** «و داوود النبی یقول...». در حالی که داوود و سلیمان در تاریخ، پادشاهان بزرگ قلمداد شده‌اند و با توجه به اندرزها، امثال و مزامیری که به این دو منسوب است، به فراست و خردورزی توصیف شده‌اند. این شرایط درباره آدم، نوح، ابراهیم و موسی نیز وجود دارد و آنان با توجه به این که کتاب‌های شریعت به ایشان منسوب است، به پدران شریعت‌گذار شناخته می‌شوند و نه انبیا؛ زیرا نبوت پایین‌تر از مقام آن‌هاست و از فحوای نامه پولس به رومیان (۱۲، ۶ - ۷) روشن می‌شود که نبوت نزد یهود، حتی در عصر پولس، فراتر از شغل معلمی، واعظی و کاهنی نبوده است.<sup>۱</sup>

این امر با دیدگاه مسلمانان و مسیحیان متأخر نسبت به تکریم و محترم‌شمردن انبیا متفاوت است.

<sup>۱</sup> شاید این یکی از دلایلی باشد که موجب شده که مسیحیان متقدم حواریون حضرت مسیح را رسل خوانده‌اند و نه انبیا.

دین‌پژوهی از منظر ابن‌کمونه

۱۰

صاحب‌التنقیح درباره مفهوم موردنظرش از نبوت تا حدّ زیادی از دیدگاه مسلمانان متأثر بوده است، به طوری که وی اختیارات نبی را گسترده‌تر می‌کند، حتی در بند «۷۳: ۸» با پیروی نظریه «قطب» تصوف و نظریه «حجت» شیعه، نبی را به قطب عالم تشبیه می‌کند.

وی در بندهای ۵۹ تا ۷۴ به پانزده فایده نبوت اشاره می‌کند که اغلب آن‌ها فواید سیاسی هستند و مؤلف در آن‌ها از نظریه فارابی در زمینه نبوت سیاسی و حکومت الهی پیروی می‌کند.

هم‌چنین در بند ۸۹ و ۱۰۱ از نبوت موسی و انبیای پیش از او سخن می‌گوید.<sup>۱</sup>

در بند ۹۲ با پیروی از مسلمانان و بر خلاف اصطلاح یهود، آدم ابوالبشر و نوح، ابراهیم، اسحاق و یعقوب را نبی می‌خواند. با وجود این در بند «۲۵۴: ۱» بر مسلمانان درباره اختلافشان درباره افسانه‌های مربوط به سلیمان و داوود خرده می‌گیرد.

هم‌چنین در بند ۹۲ هابیل را خلیفه (جانشین) آدم می‌خواند و هریک از نوه‌هایش تا حضرت نوح را صفوت (برگزیده) قلمداد می‌کند.

مؤلف در بند «۹۹: ۲» یوشع بن نون را وصی موسی قرار می‌دهد. بدیهی است که «خلیفه» و «وصی» دو اصطلاح اسلامی‌اند که در عهدین اثری از آن‌ها دیده نمی‌شود و در آن هریک از انبیا مستقل از دیگری خوانده شده‌اند.<sup>۲</sup>

واژه «صفوت» نیز به برگزیدن (اصطفا) نص از متقدم برای متأخر دلالت دارد. این اصطلاح، همانند وصایت، از باورهای شیعی است که مؤلف‌التنقیح آن را گرفته و وارد یهودیت کرده است.

از دیگر نمونه‌ها می‌توان به حرمت حمل مصحف که در بند ۱۵۱ ذکر شده، اشاره کرد که مؤلف آن را از آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه ۵۶: ۷۹) اخذ کرده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> برای تفاوت میان موسی و انبیا، بنگرید به: سفر ۱۲: ۷-۶.

<sup>۲</sup> حتی اسطوره عروج ایلیا به آسمان و اعلام آن از سوی یسع که در «۲، الملوک ۲» آمده، بر جانشینی یسع به جای ایلیا دلالت ندارد.

<sup>۳</sup> Z: قرآن، سوره واقعه، شماره ۵۶، آیت ۷۹: لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹) / جز پاکان به آن دسترسی ندارند. (۷۹)

## مطالب کتاب

رساله التفتیح شامل حدود بیست هزار کلمه؛ یا کمی بیشتر و شامل مقدمه و چهار باب است. مقدمه به بیان علت تألیف کتاب و خلاصه‌ای از ابواب آن اختصاص دارد.

مؤلف نخست شرایط نبوت‌ها را به اختصار ذکر می‌کند، سپس ویژگی‌های هر امت را شرح می‌دهد. با توجه به تقدّم زمانی نبوت یهود، آن را بر دو نبوت دیگر مقدّم کرده است، آن‌گاه نبوت نصرانی را آورده و کتاب را با نبوت مسلمانان به پایان برده است.

وی وعده داده است که اصول اعتقادی هر امت را ذکر کند و ادلّه صاحبان نبوت‌ها، اتهاماتی که به آن‌ها وارد شده و پاسخ مدافعانشان را بیان نماید و به دیدگاه‌ها و نظرات هر یک توجه کند.

هم‌چنین وعده داده است که در مسأله‌ای بر اساس تمایلات خود نظر ندهد و دینی را بر دین دیگر برتر نداند.

وی در دیباچه کتاب برخلاف اسلوب اغلب مسلمانان نام حضرت محمد(ص) را به صراحت ذکر نکرده؛ بلکه پس از حمد الهی، به درود بر رسول مصطفی و آل و اصحابش بسنده کرده است.

واژه مصطفی، چنان که بدیهی و روشن است، صفت عامی است که درباره انبیای دیگر صدق می‌کند.

### باب اول: معرفی کلی نبوت

مؤلف در این باب به معرفی نبوت پرداخته و آن را بالاترین درجه معرفت بعد از درجات حس، تمییز و عقل دانسته است. همان‌طور که انسان آن چه را که در مرحله تمییز درک می‌کند، در مرحله کودکی درک نمی‌کند و آن چه را که در مرحله عقل درک می‌کند، در مرحله تمییز درک نمی‌کند؛ بنابراین، آن چه را که در مرحله نبوت درک می‌کند، در مرحله عقل درک نمی‌کند.

**وی بر آن است که سه ویژگی نبوت عبارتند از:**

(۱) قدرت نفس که نبی را قادر می‌سازد تا در جوهر، عرض، ماده و صورت دیگران تأثیر گذارد؛

(۲) قوه بصیرت و آمادگی برای پذیرش علوم از خاستگاه‌شان؛

(۳) علم به غیب در خواب؛ یا بیداری.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۱۲

دکتر علی نقی  
نیمزنوی

وی بر اساس همین ویژگی‌ها، انبیا را به سه بخش تقسیم کرده است. انبیایی که دارای هر سه ویژگی قوی؛ یا ضعیف هستند؛ انبیایی که دارای دو ویژگی می‌باشند؛ و انبیایی که فقط یکی از این سه ویژگی را دارند.

سپس آرای سه‌گانه را درباره نبوت مطرح کرده که عبارتند از:

- انتخاب از سوی خداوند؛

- یا ریاضت و کسب؛

- یا هر دو با هم.

پس از آن اقسام چهارگانه وحی در خواب و بیداری و هر یک با واسطه؛ یا بی‌واسطه بیان شده است. مؤلف آن گاه بحث ولایت و پایین بودن درجه آن را از نبوت ذکر کرده و دو درجه برای آن بر شمرده است. در بخش دیگر این باب مراتب دهگانه انبیا و تقسیم‌بندی آنان در این مراتب ذکر شده است. مؤلف پس از آن معجزه و شرایط پنج‌گانه آن را ذکر کرده و هفت شبهه وارد می‌کند.

وی در ادامه پانزده فایده نبوت را در پاسخ به براهمه و اشراقیان، که به دلیل وجود عقل و اشراق قائل به عدم فایده نبوت برای انسان هستند، آورده است. اغلب این فوائد متنی بر عدم اعتماد به عقل بشری است. در پایان این باب نیز شبهه‌هایی در مخالفت با نبوت ذکر شده است که عبارتند از:

(۱) شبهه اهل جبر با ذکر شش دلیل؛

(۲) شبهه براهمه که بر این باورند عقل بشری کافی است؛

(۳) مخالفت شریعت‌ها با عقل.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۱۳

### باب دوم: نبوت یهود

مؤلف در این باب معجزات منسوب به انبیای بنی اسرائیل و دعوتشان به طهارت ظاهری و باطنی و دوری از زنان را ذکر می‌کند، سپس نام برخی از انبیا، سرزمین‌ها و اصلاحاتشان را طبق اعتقادات یهودیان و بر خلاف روایات مسلمانان بر می‌شمارد.

وی آموزهٔ ثواب اخروی دائم و عقاب غیر دائم را به یهود نسبت می‌دهد و دربارهٔ معاد کبیر و صغیر بحث کرده و می‌نویسد که ثواب و عقاب روحانی هستند، نه جسمانی.

بدیهی است که همهٔ این‌ها نظرات نوافلاطونی است که مؤلف کوشیده آن را به یهود نسبت دهد.

**در بخش دیگر این باب ردیه‌های واردشده به یهود آمده که از این قرارند:**

- عدم تواتر دین یهود؛
- عدم تواتر تورات؛
- قائل به جسم بودن و مرئی بودن خدا؛
- عدم باور تورات به آخرت؛
- معجزات یهود همانند معجزاتی که ایرانیان به زردتشت نسبت داده‌اند، روایاتی غیر قطعی است؛
- تورات طبق پنج دلیل منسوخ است.
- وی به هریک از این ردیه‌ها پاسخ داده است.

### باب سوم: نبوت مسیحیت

مؤلف در این باب به تاریخ مسیحیت پرداخته و با عینک یهودی به آن می‌نگرد.

وی در این باب متن اعتقادنامه و اختلاف یعقوبیان، نستوریان و ملکانیان را دربارهٔ آن می‌آورد و با واسطه از کتاب یحیی بن عدی نقل می‌کند، سپس مسألهٔ تثلیث و ادلهٔ مسیحیان و ادلهٔ مخالفانشان را بیان کرده و می‌نویسد؛ بهترین دلیل عدم



دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۱۴

استدلال و این قول است که نهان و آشکار آن‌ها همان مقاومت در برابر شکنجه و سختی‌هایی است که مسیحیان تحمل کرده‌اند.

### باب چهارم: نبوت اسلام

در این باب شش دلیل برای نبوت حضرت محمد (ص) ذکر شده است که عبارتند از:

- ۱) تحدی با قرآن که مؤلف ۱۵ اعتراض را درباره آن ذکر کرده و می‌گوید که بهترین نظر گفته فخرالدین رازی در المعالم است، مبنی بر این که قرآن باتوجه به مفاهیمی که در بردارد، اگر معجزه لفظی نباشد، معجزه معنایی خواهد بود؛
  - ۲) خبر دادن حضرت محمد (ص) از غیب که با ذکر مثال‌هایی با آن مخالفت کرده و می‌نویسد که آن چه درباره بنی اسرائیل، مثل قصه سلیمان، در قرآن روایت شده، خلاف واقعیت است؛
  - ۳) معجزات دیگر حضرت محمد (ص). مؤلف با ذکر آیاتی از قرآن که اعجاز را منکر می‌شود و آن را نفی می‌کند؛
  - ۴) بشارت به نبوت در کتاب‌های مقدس؛
- مؤلف در پاسخ به آن از صاحب الافحام استدلالی را علیه آن طبق حروف ابجدی نقل می‌کند.
- وی هم‌چنین درباره بشارت دین یهود به نبوت حضرت محمد (ص)، آن را با آن چه یهود درباره خروج صاحب زنج آورده، نقض می‌کند؛
- ۵) خدمات حضرت محمد (ص)، به بشر از انبیای دیگر بیشتر بوده و توحید مسلمانان از توحید دیگران قوی‌تر است؛
  - ۶) صفات حضرت محمد (ص)؛

### منابع التنقیح

مؤلف؛ یا مؤلفان التنقیح در باب اول کتاب از تألیفات غزالی، شهرستانی، فخرالدین رازی و ابن سینا، فیلسوفان اسلامی و ابن میمون سود جسته‌اند.

در باب دوم از تورات، کتاب‌های خاخام‌ها و تألیفات ابن میمون و سموئیل مغربی بهره برده و از نص تورات بسیار نقل می‌کند که این با اسلوب اغلب مؤلفان مسلمان مغایر است.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۱۵

در باب سوم از اناجیل اربعه، آرای پولس استفاده کرده (بنگرید به: پایان بند ۱۵۵ و پایان بند ۱۶۹) که احتمال می‌رود آن‌ها را از رسائل وی نقل کرده باشد.

وی از شهرستانی و دیگر مؤرخان ادیان نیز نقل می‌کند.

هم‌چنین به نظر می‌رسد که مؤلف با فرقه‌های نصرانی در ارتباط بوده که به مقایسه نسخه‌های موجود نزد برخی از آن فرقه می‌پردازد.

مؤلف در باب چهارم از کتاب‌های کلامی و تاریخی مسلمانان سود جسته و نام کسانی را که از آنان بهره برده؛ یا به طور قطع از آثار فلسفی‌شان استفاده کرده، سخنی به میان نیآورده؛ بلکه تنها نام تعدادی از علما را که مسائل خاص تاریخی از آنان نقل کرده، ذکر نموده است.

در ادامه این مقاله، کسانی که مؤلف التنقیح به هر شکلی از آنان بهره برده است، بر اساس ترتیب هجایی معرفی می‌شوند.

#### ابن جوزی (۵۱۰-۵۹۷ق / ۱۱۱۶ - ۱۲۰۰م)

ابوالفرج عبدالرحمن بن ابوالحسین علی بن عبدالله قریشی بغدادی حنبلی فقیه حافظ تمیمی بکری در بغداد درگذشت<sup>۱</sup>. مؤلف التنقیح از تاریخ وی که شاید المنتظم فی تاریخ الأمم باشد، قصه زن نایبای بغدادی که از غیب خبر می‌داد، نقل کرده است.

وی آن را در بیان این مسأله که خبر دادن از غیب معجزه نیست و ستاره‌شناسان و اهل طلسم و خواب‌گزاران این کار را می‌کردند، نقل کرده است (التنقیح، بند ۲۴۹).

#### ابن سینا (۳۷۵-۴۲۸ق / ۹۸۰ - ۱۰۳۷م)

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا، مشهورترین و تأثیرگذارترین فیلسوف اسلامی است. در خرمین بخارا و در عصر حکومت سامانیان به دنیا آمد.

<sup>۱</sup> هدیه العارفین فی اسماء المؤلفین، ج ۱، برگه ۵۲۰.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۱۶

هنگامی که تبلیغات اسماعیلیان توانست مردم را به سمت علوم چون حساب، هندسه و فلسفه اشراقی هدایت کند، خانواده او نیز به تشیع اسماعیلی گرایش یافت و از همین رو برای فرزندانش، حسین، معلم ویژه‌ای در زمینه ریاضیات و فلسفه در نظر گرفتند، پس از آن ابن سینا طب را فرا گرفت و امیر نوح بن منصور سامانی را درمان کرد که موجبات شهرت او را فراهم ساخت.

وی بعد از مرگ پدرش مدتی در دیوان کار کرد، سپس برای دیدار با امیر قابوس بن وشمگیر به گرگان رفت، اما قابوس پیش از آن که ابن سینا با او دیدار کند، زندانی شد و درگذشت.

در گرگان ابو عبیدالله جوزجانی به دیدار او رفت و تا ۲۵ سال شاگرد با وفای ابن سینا بود. وی اولین کسی است که احوال استادش را نقل کرده و درباره او نوشته است.

ابن سینا آن گاه به ری رفت و امیران آل بویه او را وزیر خود در ری، همدان و اصفهان برگزیدند که خود از شیعیان دوازده امامیه‌ای بودند که به آرای سلفی در عصر شیخ مفید (د: ۴۱۳ ق / ۱۰۲۲ م) و شیخ طوسی (د: ۴۶۰ ق / ۱۰۶۷ م) گرایش داشتند، حتی مذهب دوازده امامی را به اهل سنت از شیعه اسماعیلیه نزدیک‌تر ساختند. این امر موجب شد که ابن سینا از آرای افراطی خود در اغلب کتاب‌های خود به زبان عربی و فارسی سخنی به میان نیاورد.

زندگی شخصی ابن سینا، چنان که شاگردش جوزجانی نقل کرده است، نشان می‌دهد که وی اسماعیلی باطنی بوده است، به طوری که در اغلب شب‌ها به درس، شراب، لهو، غنا و نماز همه با هم توجه داشته است. اسماعیلیه همان کسانی‌اند که به خداوند بدون ظواهر دینی اعتقاد داشتند. بعید نیست که طرد ابن سینا از وزارت و زندانی شدنش به افکار و مذهبش مرتبط بوده باشد.

او هم‌چنین ادیب و شاعر نیز بوده و جوزجانی برخی از مطالع اشعار او را نقل کرده است.

اشعار عربی و فارسی منسوب به ابن سینا موجود است که برخی از آن‌ها با اشعار خیام به دلیل نزدیکی مضامین در زمینه اعتقاد به خدا و شک نسبت به نبوت‌ها، درآمیخته است.

دکتر محمدحیی هاشمی حلبی مقاله‌ای با عنوان ابن سینا کرائد لرباعیات خیام نوشته است. (بنگرید به: مجلة الدراسات

الأدبية، ش ۳ و ۴، برگه ۳۱۷ - ۳۳۲)

## عرفان ابن سینا

ابن سینا با اشراق و عرفان رشد کرده آن‌ها در بیشتر نوشته‌هایش بارز است.<sup>۱</sup>

وی از واژه‌های زهد، وجد، وقت و سایر اصطلاحات مشترک میان تصوف سنی و شیعی عصر خود بهره می‌برده<sup>۲</sup> و پدیده‌های روحانی مثل عشق، شوق و جذب را همانند سایر عرفا تفسیر می‌کند؛ بنابراین، می‌توان گفت که او اشراقی بزرگ شد و فلسفه مشائی آموخت. او فیلسوفی نیست که تصوف را چنان که «مهرن» تصور کرده، به کار برده باشد<sup>۳</sup>، اما وزارتش در درباری که مخالف اسماعیلیه بود، او را واداشت که از اشراق اسماعیلی که بر اساس آن رشد کرده بود، از افکار تند و تهدیدکننده نظام اجتماعی موجود همانند «اتصال»، «اتحاد»، و «حلول» دست بشوید و با انتقاد از آن‌ها، از فلسفه ارسطاطالسی انعطاف‌ناپذیر حمایت کند. زیرا چنان که مدعیان انکار نبوت (ابن‌راوندی و ابن‌زکریای رازی) از هواداران آرای هندی و ایرانی تهدیدکننده خلافت و دربارهای منسوب به خلافت که ابن‌سینا یکی از وزیرانشان بوده است، اعتقاد داشته‌اند، فتح باب ارتباط (اتصال) هر انسانی با خدا نیاز به نبوت را نفی می‌کند و این امر به بطلان آن منجر می‌شود. این همان چیزی است که ابن‌سینا و فارابی کوشیدند که از شدت این افکار بکاهند و به گونه‌ای از اشراق معتدل گرایش داشته باشند که ناقض مفهوم نبوت در کتاب‌های مقدس نباشد تا از این طریق قادر باشند تا حد امکان اندیشه هندی و عربی را به هم نزدیک سازند. از همین رو از نظام‌های پادشاهان و امرای مستقل مسلمان به عنوان رؤسای مدینه‌های فاضله که از سوی خدا مورد تأیید قرار گرفته‌اند\_ حمایت می‌کردند.

این نظریه درباره نبوت، اگرچه مورد نظر و رضایت امیران و پادشاهان کشورهای مستقل بود، در عین حال مرکز خلافت و علمای بغداد را راضی نمی‌کرد. به همین دلیل است که غزالی، هنگامی که در بغداد به سر می‌برد، با آن مخالفت کرده و آن را

<sup>۱</sup> نک: الاتجاه الاشراقي في فلسفة ابن سینا، میرفت عزت بالی، دار النشر دارالجيل للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت، ۱۹۹۴م، برگه ۵۲ - ۷۳، ۱۵۴ - ۱۸۰.

<sup>۲</sup> وی کلمه «عارف» را در خیلی از موارد به جای «ولی» به کار می‌برد که شیعیان در آن زمان آن را کمتر به کار می‌بردند. ابن‌سینا آن را جز در ذکر تفاوت میان معجزه و کرامت در اشارات به کار نبرده است.

<sup>۳</sup> نک: ذکری ابن‌سینا، المقدمات الفلسفية للتصوف السینوی، برگه ۱۸.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۱۸

نقض می‌کند، اما در زمان اقامتش در قدس و خراسان از مخالفت‌های او کاسته شد و سرانجام به نوعی تصوف لطیف در کتاب المنقذ من الضلال اذعان کرد.

ابن کمونه در تمام تألیفاتش از آثار ابن سینا سودجسته و به طور مستقیم؛ یا از طریق ابن میمون نظریه نبوت فارابی را اخذ کرده و آرای غزالی را که در آن‌ها نظرات فارابی و ابن سینا درباره نبوت باطل شمرده، مورد توجه قرار داده است. وی برخی از بخش‌های کتاب النجاة ابن سینا را با حذف برخی از عبارات تند باطنی آورده، اما نه نام کتاب و نه نام مؤلف را ذکر نکرده است.

### ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ ق / ۸۵۵ - ۹۲۵ م)

ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی طبیب رازی، بزرگترین فیلسوف طبیعی ایران بعد از اسلام است. در ری به دنیا آمد و نزد ابوزید بلخی و ابوعباس ایرانشهری درس آموخت و در دوره مکتفی و مقتدر عباسی ریاست بیمارستان بغداد را بر عهده داشت، سپس به ری بازگشت و همان جا درگذشت. او از بزرگ‌ترین هواداران نظریه لاهوت است که همانند دو استادش و ابن‌راوندی از نبوت‌ها دوری گزیدند. زکریای رازی با اذعان کامل به وجود خداوند، به صراحت بر نادرستی ادعاهای انبیا درباره رسالتشان و بطلان استادانشان به معجزات تأکید می‌کند.

ابوریحان بیرونی فهرستی از آثار رازی را نوشته که با تحقیق پل کرواس در سال ۱۹۳۶ در پاریس به طبع رسیده و شامل ۱۸۴ کتاب است. خود رازی در رساله السیرة الفلسفیه، آثارش بر شمرده و تعداد آن را به حدود ۲۰۰ رسانده است. دکتر محمود نجم‌آبادی آن چه را که قفطی، ابن‌ابی‌اصیبه و ابن‌ندیم ذکر کرده‌اند، اضافه نموده و تا ۲۷۱ عنوان برای او بر شمرده است. برخی از این آثار از جمله الحاوی<sup>۱</sup> و الکناش باقی مانده است، اما از آثار او در زمینه فلسفه و الهیات و کتاب‌های رحیل

<sup>۱</sup> کتاب الحاوی فی الطب، رازی، ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ ق / ۸۵۵ - ۹۲۵ م)، ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی طبیب، چاپ مجلس دایرة المعارف، عثمانی، حیدرآباد، دکن هند، ۱۳۷۴ - ۱۳۹۰ ق / ۱۹۵۵ - ۱۹۷۰ م، ۲۵ جلد، این مجموعه پس از ۱۲۰۰ سال به زبان مادری نویسنده رازی توسط

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۱۹

المتنبئین؛ و مخاریق الانبیاء؛ و الطب الروحانی؛ و نقض الأديان فقط بخش‌هایی درضمن کتاب‌هایی که به آن‌ها پاسخ داده‌اند، باقی‌مانده و پل کراوس آن‌ها را به زبان عربی<sup>۱</sup> گردآوری کرده و در سال ۱۹۳۶ در ۳۱۶ صفحه با عنوان رسائل فلسفیه لمحمد بن زکریای الرازی چاپ کرده است.

رازی فیلسوفی مستقل است، در حالی که اسلاف او آراء خود را به براهمه نسبت می‌دهند، او آراء خویش را به خود نسبت می‌دهد. وی هنگامی که ریاضت‌های زاهدان و نامرتاضان را محکوم می‌کند، راهبان دیرها، عزلت‌پیشگان مساجد و مرتاضان هندی را به طور یکسان ذکر می‌کند.

او عقل‌گرایی است که برای رسیدن به معرفت، جز عقل بشری را به رسمیت نمی‌شناسد. با وجود این او در کتاب السیرة الفلسفیه به مثابه عارفی متصوف ظاهر می‌شود و هنگامی که در مناظره‌اش، ابوحاتم رازی اسماعیلی را مورد خطاب قرار می‌دهد، خود را افلاطونی و دشمنش را ارسطاطالیسی می‌خواند.

ابن میمون، فیلسوف یهودی، در نامه‌ای خطاب به سموئیل به تبون، مترجم دلالة الحائرین از عربی به عبری به او توصیه کرده بود که خودش با کتاب الحکمة الهیة رازی خسته نکند؛ زیرا صاحب آن فقط یک طبیب است و به طور کلی خودش را با کتاب‌های منطق به سختی نیندازد (موسی بن میمون و احواله، برگه ۶۳).

مؤلف التنقیح فقط در دو جا از زکریای رازی برای بیان این که عدم توانایی در مخالفت با عمل انسانی صاحب فن، خبره و کارآزموده بر نبی بودن او دلالت ندارد، نقل می‌کند.

وی بدین منظور از زکریای رازی نقل می‌کند که وی انسانی را مدّ نظر دارد که با کلام قابل فهمی سخن می‌گوید و هر چیزی را بخواهد، کسی با او مخالفت نمی‌کند و دیگری را می‌بیند که ۲۷ روز چیزی نخورده است، این مسائل بر نبوت آنان دلالت

محمدابراهیم ذاکر ویراستار کتاب‌ها و مقاله‌های دکتر علی‌نقی به فارسی ترجمه شد و در یادمان رازی ۲۸ آذرماه ۱۳۹۵ در کتابخانه ملی ایران با حضور معاون علوم و فناوری ریاست جمهوری و ریاست دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی و میهمانان سخنران ایرانی و خارجی رونمایی شد.

<sup>۱</sup> متن مقاله: به دو زبان عربی و فارسی.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۲۰

ندارد، شاید مؤلف التنقیح آن را از کتاب مخاریق الانبیاء گرفته باشد و از عبارت آن بر می آید که وی از کتاب به صورت مستقیم و نه به واسطه نقل کرده باشد (بند ۲۳۶ و ۲۴۱).

### ابن کوفی (۲۵۴ - ۳۴۸ ق / ۸۶۸ - ۹۵۹ م)

ابوالحسن علی بن محمد بن زبیر در بغداد به دنیا آمده و همان جا درگذشته است. در فهرست‌های ابن ندیم، نجاشی و طوسی نام او ذکر شده است.

صاحب التنقیح به واسطه از کتاب منازل مکه نقل کرده که کوه فاران در حجاز واقع است (بند ۲۶۱) و به نظر می‌رسد که خودش کتاب را ندیده است و در التنقیح چاپ موسی پرلمان هنگام نقل آن از ابن کوفی خطایی رخ داده، به طوری که ثبت شده: «بالخط الکوفی» به جای این که نوشته شود: «بخط ابن الکوفی» (سطر پایانی بند ۲۶۱).

### ابن ملکا بغدادی (د: ۵۴۷ ق / ۱۱۵۲ م)

ابوالبرکات هبة الله بن علی بن ملکا بلدی، طبیب دربار مستنجد عباسی که یهودی بود و اسلام آورد. چند روایت درباره اسلام آوردن او وجود دارد که نشان می‌دهد به دلیل ترس و طمع، به اسلام تظاهر می‌کرده است، اما دخترانش اسلام نیاوردند و برای به دست آوردن میراث وی به نیرنگ‌هایی متوسل شدند.

او همانند فلاسفه یهودی دیگر، بیشتر از این که به فیلسوفان دیگر نزدیک باشد، به متکلمان نزدیک است و الگوی متعصبان و محافظه کاران متحجر به شمار می‌آید.

ابن تیمیه از ابن ملکا یاد کرده و در کتاب الرد علی المنطقیین و العقل و النقل از او اقتباس کرده است و در کتاب منهج السنة، ج ۱، برگه ۹۶: او را به سبب تقلید نکردن از فلاسفه و روش عقلی آن‌ها ستوده است.

**هم چنین گفته است:** ابن سینا میان متکلمان نافی صفات زیسته و ابن رشد میان کلامیه<sup>۱</sup> و ابوالبرکات میان علمای اهل سنت بغداد زیسته‌اند. (منهج السنة، ج ۱، برگه ۹۸)

<sup>۱</sup> متن مقاله: کلابیه.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۲۱

و شهرزوری گفته است: اغلب شبههاتی که فخرالدین رازی به حکما وارد کرده، از آن ابوالبرکات یهودی است. (نزهة الأرواح و روضة الأفراج، ج ۲ برگه ۱۴۸)

### ظهیرالدین علی بن زید بیهقی (د: ۵۶۵ق / ۱۱۶۹م)

وی از فلسفه ابوالبرکات دفاع کرده و کتابی تألیف کرده و آن را المشتهر فی نقض المعتر نامیده است.<sup>۱</sup> صاحب التنقیح به صراحت نامی از ابوالبرکات، جز در یک جا نبرده است و در آن قصه زن نابینای بغدادی است را که از غیب خبر می‌داده، نقل کرده تا زمان تألیف کتاب المعتر از سوی ابوالبرکات که آن را در کتابش (ج ۲، برگه ۴۳۳ - ۴۳۴) ذکر کرده است و مؤلف التنقیح برای این که نشان دهد، خبر دادن از غیب معجزه نیست، بدان استناد جسته است. (بند ۲۴۹)

### ابن میمون (۵۳۰ - ۶۰۳ق / ۱۱۳۵ - ۱۲۰۴م)

موسی بن میمون بزرگ‌ترین فیلسوف یهودی در عصر اسلامی در قرطبه به دنیا آمد و همان جا رشد کرد. هنگامی که شهر در سال ۱۱۴۸م به دست عبدالؤمن کومی زناتی افتاد، به شکنجه یهودیان و مسیحیان پرداخت و آنان را به پذیرش اسلام؛ یا ترک سرزمینشان مجبور کرد. از این رو، کسانی می‌توانستند قرطبه را ترک کردند. خانواده ابن میمون نیز از جمله خانواده‌هایی بود که به مریه، در جنوب آندلس، واقع در حوزه حاکمیت مسیحیان، مهاجرت کردند.

ابن رشد نیز که به دلیل گرایش فلسفی اش حکومت و علمای متعصب را از خود خشمگین ساخته بود، به آن جا مهاجرت کرد و اقامت گزید. خانواده ابن میمون تا سال ۱۱۶۰م در مریه اقامت داشت و پس از آن به فاس رفت تا ابن میمون به عنوان یک کشیش یهودی آموزش ببیند.

او نامه‌ای به زبان عربی نوشت و یهود را به پایداری و حفاظت از دینشان تشویق کرد، پس از آن خانواده میمون در سال ۱۱۶۵م به عکا (فلسطین) که تحت حاکمیت صلیبیان بود، گریخت. ابن میمون در آن جا نیز نتوانست به زندگی اش ادامه دهد، به همین دلیل بعد از این که پدرش را در قدس باقی گذاشت، به مصر رهسپار شد.

<sup>۱</sup> معجم الأدباء، برگه ۲۱۲؛ و الثقات العیون فی سادس القرون، آقابزرگ تهرانی، تصحیح و مقدمه‌نگاری علی نقی منزوی، بیروت، برگه ۱۸۹.



دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۲۲

مصر که در آن زمان تحت حاکمیت علویان اسماعیلی بود و آزادی دینی و ترویج فلسفه بر فضای آن حاکم بود، ابن میمون را تشویق کرد تا در این سرزمین اقامت گزیند. وی در آن جا به تجارت جواهرات روی آورد. در سال ۱۱۶۶ م پدرش در قدس درگذشت و پس از آن نیز کشتی تجاری که حاوی ثروت خانوادگی ابن میمون بود، غرق شد و او برای اداره امور خانواده اش به حرفه طبابت روی آورد. در این اثنا با سقوط علویان و ظهور ایوبیان شرایط سیاسی تغییر کرد، ولی آزادی های دینی چندان دچار تغییر نشد و ابن میمون در مقام پزشک مخصوص ملک نورالدین علی بن صلاح الدین ایوبی وارد دربار شد.

شکنجه های آندلس در ابن میمون چنان تأثیری گذاشته بود که احساسات قومی و دینی را برانگیخته و او را به دین خود پای بندتر ساخته بود. این مسأله، در نامه ای که وی در فاس منتشر کرد، به خوبی روشن است. هم چنان که سفرها و مطالعه آراء و ادیان مختلف افق های جدیدی را پیش رویش گشوده و او را از تعصبات دینی خارج ساخته بود، به طوری که به مخالفت با یحیی، رییس یهودیان مصر پرداخت.

ابن میمون با افکار انعطاف ناپذیری که ریشه در یهودیت داشت، با این اساس که آن ها از دیانت اصلی یهود خارج است، مبارزه کرد تا این که در سال ۱۱۸۷ م به ریاست یهودیان مصر انتخاب شد و برخی از آداب و رسوم دینی اصیل یهودی را برچید و مسائل جدیدی را وارد کرد که با علم جدید آن روز سازگاری داشت. از همین رو برخی از علمای یهودی با وی مخالفت کردند. یهودیان پشتیبانی نداشتند که از اندیشه های متعصب آنان حمایت کند و علما را مورد ضرب و شتم قرار دهد و امثال ابن میمون را تحت تعقیب قرار دهد.

وی هر چند در دربار پادشاهی اسلامی و متعصب دینی فعالیت می کرد، این دربار به امور غیر مسلمانان اعتنایی نداشت و گسترش دین یهود به دربار امرای مسلمان آسیبی نمی رساند، در حالی که تحول و گسترش اندیشه های مسلمانان به آنان آسیب می رساند.

ابن میمون چهارم دسامبر ۱۲۰۴ م درگذشت و جسدش به طبریه انتقال یافت و میان دو قدیس یهودی دفن شد.

صاحب التنقیح از کتاب های ابن میمون؛ و به ویژه کتاب دلالة الحائرين بهره جسته و از اسلوب آن پیروی کرده است.

وی از بسیاری از نظریات ابن میمون، خاصه نظریه نبوتش بهره برده است. نظریاتی که خود ابن میمون برخی از عناصرش را تغییر داده و آن را به نبوت کتاب های مقدس نزدیک و از نظریه نبوت فلسفی فارابی دور ساخته است.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۲۳

ابن کمونه نیز در التنقيح الأبحاث به بازنگری در برخی از تغییرات ابن میمون پرداخته به طوری که آن را به نظریه فارابی نزدیکتر کرده است؛ بنابراین، ابن میمون، چنان که دکتر اسرائیل ولفنسون اعتقاد دارد، اولین یهودی است که معاد شرعی را انکار کرده است. (موسی بن میمون و احواله، برگه ۳۴)

هر دو این نظریه را از کتاب الاضحویة ابن سینا نقل کرده اند و خود او آن را از اسماعیلیه که نخستین کسانی اند که از معاد روحانی سخن گفته اند، اخذ کرده است.

صاحب التنقيح نام ابن میمون را ذکر نکرده و با عباراتی چون «و منهم من زعم» (بند ۱۰۸)؛ «لِمتأخرون من الیهود» (بند ۱۲)؛ و «بعض الفضلاء» (بند ۱۳۰) از او نقل کرده است.

#### ابن وحشیه (د: ۲۹۶ ق / ۹۰۸ م)

احمد بن علی بن قیس بن مختار بن عبدالکریم کسدانی صوفی معروف به ابن وحشیه است.

مؤلف التنقيح از کتاب الفلاحة النبطية وی نقل کرده، اما به طور مستقیم از او اخذ نکرده؛ بلکه آن را از دلالة الحائرین ابن میمون گرفته است.

#### جوینی (۴۱۹ - ۴۷۸ ق / ۱۰۲۸ - ۱۰۸۵ م)

ضیاءالدین ابوالمعالی امام الحرمین عبدالملک بن عبدالله بن یوسف بن عبدالله شافعی ابتدا به بغداد آمد، سپس به مکه رفت و از آن جا رهسپار مدینه شد، پس از آن عازم نیشابور شد و در آن جا به درس و مطالعه مشغول شد تا این که در همان جا درگذشت. جوینی صاحب تألیفات بسیاری است. اسماعیل پاشا در هدیه العارفین و چلبی در کشف الظنون ۲۵ کتاب را از شمار آن ها ذکر کرده اند.

صاحب التنقيح فقط یک جا از جوینی و کتابش الشامل فی اصول الدین نقل کرده و گفته است که هشام فوطی و عباد صمیری کسانی بودند که تحدی از طریق اعجاز قرآن را انکار می کردند.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۲۴

هشام بن عمرو فوطی و شاگردش، عباد بن سلیمان ضمیری دو تن از بزرگان معتزله بودند که ابن حجر به نقل از ابن ندیم در لسان المیزان آن‌ها را ذکر کرده است. الشامل فی اصول الدین کتاب برجسته‌ای در کلام است و چنان که چلبی متذکر شده پنج جلد بوده است.<sup>۱</sup>

### سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ق / ۱۱۷۴م)

ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی بن عباس مغربی<sup>۲</sup> در مراغه درگذشته است. طبیب، مهندس و عالم یهودی قرن ششم / دوازدهم میلادی که اسلام آورد و کتاب افحام الیهود را در اثبات صحت ادیان سه‌گانه و دفاع از اسلام که پیشینیانش به آن اعتراف نمی‌کردند، در نهم ذی‌حجه ۵۵۸ق / ۱۶ نوامبر ۱۱۶۳م تألیف کرد. این کتاب را موسی پرلمان در سال ۱۹۶۴م در نیویورک چاپ کرده است.<sup>۳</sup>

از جمله آثار سموئیل به رساله فی الجواب عما سألہ الزنادقة می‌توان اشاره کرد که نسخه‌ای از آن در مجموعه‌ای به همراه افحام الیهود در کتابخانه مجلس تهران به شماره ۲۷۹۴ نگه‌داری می‌شود که تمام آن مجموعه از نسخه قطب‌الدین شیرازی که در پایان یکی از شب‌های ربیع‌الآخر ۶۸۵ق / ۱۲۸۶م در قونیه از کتابت آن فراغت یافته، استنساخ شده است.<sup>۴</sup> سموئیل مغربی رساله‌ای به نام التوراة و النبوة الخاصة دارد که شامل شش فصل است.

### عناوین فصل‌ها از این قرار است:

<sup>۱</sup> کشف الظنون، حرف شین؛ و هدیه العارفين، ج ۱، برگه ۶۲۶.

<sup>۲</sup> این نسب و نسبت در پایان نسخه الأفحام که در کتابخانه مجلس تهران با شماره ۵۹۳ نگه‌داری می‌شود و در سال ۱۰۶۰ق / ۱۶۵۰م قطب‌الدین شیرازی آن را از روی خط سموئیل کتابت کرده، ذکر شده است. کنیه ابوالنصر در کشف الظنون و لقب مؤیدالدین در کشف الظنون و نسخه مجلس و مقدمه اثبات النبوات که در کتابخانه حمیدیه استانبول به شماره ۱۴۴۷ نگه‌داری می‌شود، آمده است.

<sup>۳</sup> Ed. M. Perlman (New York, 1964). *Proceedings of the American Academy for Jewish Research, Vol, XXXII.*

نسخه دیگری در کتابخانه مجلس به شماره ۴۵۴۷ (۱۴) از داخل مجموعه، برگه ۱۱۸ - ۱۲۰) نگه‌داری می‌شود. هم‌چنین نسخه شیرازی، دارای تاریخ کتابت ۶۸۵ق. که در این‌جا از آن سخن رفت، نیز در این کتابخانه موجود است. (فهرست مجلس، ج ۱۲، برگه ۲۲۷)

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۲۵

- مشخص کردن مواضعی که در آن‌ها به حضرت محمد (ص) اشاره شده است؛
- مشخص کردن موضعی که در آن به نبوت خاص اشاره شده است؛ عشق خداوند؛ کفر یهود؛
- این که شایسته نیست همه اصلاح شود؛
- اعتقادات اسلام.

**آغاز این رساله چنین است:** «ما بعد، حمد الله على ما الهم الى من الهداية و عصم عنه من الغواية... و بعد فان سبيل من صحَّ من العباد بالفطنة...».

**و با این جمله به پایان می‌رسد:** ... مما يكفرون، فقلت هذه النسخة من نسخة منقولة من خط سموئيل و كانت بخط محمد بن مسعود الشيرازي» (فهرست کتابخانه مجلس، ش ۴۵۴۷، ش ۱۳ از داخل مجموعه، برگه ۱۰۳ - ۱۱۷ و حواشی ای به خط عبری در آن وجود دارد؛ فهرست مجلس، ج ۱۲، ۲۲۶).

اسماعیل پاشا در هدیه العارفين شرح حال سموئیل را آورده و به این آثار او اشاره کرده است: اعجاز المهندسين، الأقربادین في تسعة وأربعين باباً، الردّ على اليهود (هدیه العارفين، ج ۱، برگه ۴۰۹ - ۴۱۰؛ و ذیل کشف الظنون، ج ۱، برگه ۵۵۹)، الهندی (احتمال می‌رود الیهندباء باشد)، رساله ابن خدود في المسائل الحسابية، الجبر و المقابلة، الكافي في حساب الدرهم و الدينار، کتاب القوامي في الحساب، کتاب المثلث القائم الزاوية في الهندسة، کتاب المفيد الأوسط في الطب، کتاب المنير في مساحة اجسام الجواهر الختلفة [المختلطة]، نزهة الاصحاب في معاشره الأحاب في الباه و نظاير آن‌ها.

در میان این آثار از ردیة وی به زنادقه و نام افحام اليهود ذکر نشده و شاید مقصود اسماعیل پاشا از الردّ على اليهود، افحام اليهود باشد.

صاحب التنقيح برخی از مسائل افحام اليهود را ذکر کرده و به آن‌ها پاسخ داده است، اما فقط در بندهای ۱۱۲، ۲۶۲ و ۲۶۷ با این عبارت که «صاحب الأفهام الذي يهودياً فعاند اليهود و أسلم...» از او نام برده است.

## غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱ م)

ابوحامد محمد بن محمد بن محمد. امام حجت الاسلام غزالی طوسی از بزرگ‌ترین اندیشمندان مسلمان است که با فراگیری علوم همواره می‌کوشید که اعتقادات اسلاف صالح و متعصب خود را مورد استفاده قرار دهد. وی جز با احتیاط و دشواری و با این شرط که حدود ایمان مورد تعرض قرار نگیرد، تسلیم عقل نمی‌شود. با وجود این وی به دلیل کثرت مطالعه‌اش درباره آرای مختلف و سفرهایش به کشورهای خاورمیانه و تعامل با ملت‌های مختلف کم کم از آرای خود عقب‌نشینی و بازنگری‌هایی در آن‌ها ایجاد کرد، به گونه‌ای که در اواخر عمرش در کتاب المنقذ من الضلال<sup>۱</sup> به تصوف و اشراق می‌رسد و با آرای متعصبانه خود در دوره جوانی فاصله می‌گیرد، شاید اگر غزالی از مرکز خلافت در بغداد خارج نمی‌شد، اعتقادات پایان عمر خود را نمی‌پذیرفت.

مؤلف التنقیح بر تألیفات غزالی تکیه داشته و از آن‌ها بسیار بهره برده است، اما نه از نام وی و نه از آثارش سخنی به میان نیاورده است.

وی باب اول التنقیح را با مسئله نبوت و فراتر از عقل بودن آن آغاز می‌کند که این مسأله به طور کامل از المنقذ اخذ شده است (بند ۴ و ۵) و آن اساس نظریه غزالی درباره نبوت است که با نظریه سلف محافظه‌کار و کتاب‌های مقدس سازگاری و با نظریه عقل‌گرایی نبوت‌فارابی تعارض دارد.

به برخی از اقتباسات ابن کمونه از آثار غزالی در ذیل اشاره می‌شود.

- ویژگی‌های سه‌گانه نبوت از تهافت الفلاسفة و مقاصد الفلاسفة (بند ۶)؛

- نام‌گذاری عقل فعال به ملائکه از مقاصد الفلاسفة (بند ۴۴: ۱۲)؛

- الگوی نبوت‌بودن نوم از المنقذ من الضلال (بند ۵۵: ۳)؛

- این که عقل به فهم علل قانون‌گذاری عبادات دست نمی‌یابد از المنقذ من الضلال (بند ۸۵)؛

- چگونگی اثبات نبوت کسان معینی را از المنقذ با حذف نام شافعی و باقی گذاشتن نام جالینوس (بند ۱۸۷)؛

<sup>۱</sup> غزالی از ناتوانی عقل و فلسفه در اثبات صانع، جز از طریق اشراق و تصوف است. از این رو، با این نظراتش پیشگام کانت است.

- اکتفان کردن به معجزات برای اعتقاد به نبوت؛ بلکه استفاده از ذوق، یعنی اشراق و تصوف را از المنقذ من الضلال (بند ۸۷ ب: ۵).

### فخرالدین رازی (۵۴۳ - ۶۰۶ ق / ۱۱۴۸ - ۱۲۰۹ م)

محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی تمیمی بکری طبرستانی رازی معروف به ابن خطیب شافعی فقیه در ری متولد شد و در هرات درگذشت، بسیاری از آثار ابن سینا و غزالی را شرح کرده است. او بیش از آن که به ابن سینا گرایش داشته باشد، به غزالی تمایل داشته است. فخرالدین رازی فیلسوفی محافظه کار و متکلمی آزاداندیش است و در اغلب مسائل فلسفی تردید کرده است، چنان که شهرزوری به این مسأله اشاره کرده است (نزهة الأرواح، ج ۲، برگه ۱۴۸) و خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب هایش به اغلب تشکیک‌های وی پاسخ داده است، پس از آن قطب‌الدین محمد بن محمد رازی معروف به قطب تحتانی (د: ۷۶۶ ق / ۱۳۶۴ م) کتابی با عنوان محاکمات بین الطوسی و الرازی که چاپ هم شده، تألیف کرده است.

مؤلف التنقیح از آثار رازی بسیار بهره جسته، اما فقط در پنج موضع باب چهارم (بندهای ۲۴۵، ۲۵۲، ۲۶۳، ۲۶۷، و پایان ۲۶۸) نام او را ذکر کرده است.

از کتاب المعالم در دو جای بند ۲۴۵ با استناد به آن، در انتقاد بر مسلمانان یاد کرده است، همانند این قولش: قرآن خودش به حدّ اعجاز نرسیده؛ بلکه اگر از فرد امی مثل حضرت محمد (ص) صادر شده باشد، خودش معجزه است (بند ۲۶۸). هم‌چنین در چند موضع، با استناد به آن المحصل را در انتقاد از اسلام ذکر کرده است، همانند اعتراف رازی به این که خیردادن از غلبه روم در قرآن، خیردادن از غیب نیست (بند ۲۵۲).

هم‌چنین اعتراف به عدم وجود هرگونه بشارتی درباره آمدن حضرت محمد (ص) در تورات (بند ۲۶۳ و ۲۶۷)؛

**نهایة المعقول را نیز با این قولش ذکر کرده است:** «و ان كان [فخرالدین رازی] فی کتابه نهایة المعقول قد تكلف ما لم اذکره لضعفه، و لا شک إنّه کان یعلم ضعفه» (بند ۲۵۲).

از مسائل فلسفی که آن‌ها را در باب اول آورده، شک‌های هفت‌گانه درباره معجزات و پاسخ به آن‌هاست که به نام رازی اشاره نکرده است (بندهای ۲۹ تا ۴۰).

دین‌پژوهی از منظر ابن کمونه

۲۸

فرق میان معجزه و کرامت را از المحصل اخذ کرده است (بند ۴۱).  
فوائد پانزده گانه نبوت را از المحصل دریافت کرده است (بندهای ۵۹ - ۷۳).  
شبهات سه گانه منکران نبوت‌ها را از المحصل گرفته است (بند ۷۵).  
ادله شش گانه منکران تکلیف را از الأربعین اخذ کرده است (بند ۱۰ : ۷۳).

### یحیی بن عدی بن حمید (د: ۳۶۳ ق / ۹۷۳ م)

**قفطی گفته است:** ریاست منطقیان در زمانش به او ختم می‌شد و آن را به ابونصر فارابی، ابوبشر متی بن یونس و دیگران آموخته است. وی کتاب‌ها را استنساخ می‌کرد و به پادشاهان می‌فروخت (تاریخ الحکماء، برگه ۳۶۱).  
صاحب التنقیح در باب سوم (بند ۱۷۵ : ۳) تعلیق وی درباره پدر، پسر، روح القدس از وی نقل کرده است که عقل مجرد همان پدر، عاقل بالذات پسر و معقول بالذات همان روح القدس است.  
مؤلف آن را به صورت مستقیم نقل نکرده؛ بلکه آن را از طریق حکایتی از فرد دیگری روایت کرده است.

### ردیه‌ها بر التنقیح

واکنش به تألیف رساله التنقیح تنها به شورش‌های مردمی در بغداد محدود نشد؛ بلکه برخی از علمای اسلامی و مسیحی نیز بر مطالب آن ردیه‌هایی نوشتند که در ادامه دو ردیه که چلبی در کشف الظنون ذکر کرده، معرفی می‌شود.  
سپس نسخه‌ای از مؤلف ناشناخته‌ای که نسخ، عکسی آن نزد نگارنده موجود است و پس از آن ردیه یک عالم مسیحی آورده می‌شود و در تعلق بر بند ۱۷۱ : ۱) آن چه را که ابن محرومه از سمرقندی در رد بر مسأله‌ای از کتاب التنقیح نقل کرده، خواهد آمد.

### ابن ساعاتی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)

مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی بغدادی از بزرگ‌ترین فقیهان حنفی بود.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۲۹

او به دلیل ساخت ساعت‌های مشهور بر روی دَرِ المستنصریه بغداد از سوی پدرش به ابن‌ساعاتی معروف شد. چنان که یافعی در مرآة الجنان و عبرة الیقضان (ج ۴، برگه ۲۷۲) و اسماعیل‌پاشا در هدیه العارفين (ج ۱، برگه ۱۰۰) گزارش کرده‌اند، وی بزرگ حنفیان و مدرس آنان در المستنصریه بوده است. اسماعیل‌پاشا تألیفات وی از جمله الدر المنضود في الردّ علی ابن کمونه فیلسوف اليهود را ذکر کرده است و چلبی در بخش حرف دال کشف الظنون نام این کتاب را آورده است و چه بسا مؤلف این ردیه پس از ۱۱ سال از مرگ ابن کمونه مرده باشد که این نشان می‌دهد التنقیح در عصر او تألیف شده است.

**سایر تألیفاتی که اسماعیل‌پاشا نام برده از این قرار است:** بدیع النظام الجامع بین أصول البزدوي و الإحکام<sup>۱</sup> و شرح مجمع البحرين (۲ جلد)، مجمع البحرين و ملتقى النهرين في الفروع، نهاية الوصول إلى علم الاصول. عناوین آثار ابن‌ساعاتی نشان می‌دهد که وی به فقه احاطه داشته است، نه فلسفه.

### ماردینی (د: ۷۸۸ ق / ۱۳۸۶ م)

**چلبی در کشف الظنون گفته:** بر آن (یعنی التنقیح) ردیه‌ای از شیخ سرجا بن محمد ملطی، سپس ماردینی شافعی وجود دارد که آن را نهوض حثیث اليهود إلى خوض خبیث اليهود نامیده است (کشف الظنون، حرف تا، مدخل «تنقیح الأبحاث»). صاحب الدرر الكامنة (ج ۲، برگه ۲۲۵-۲۲۶) در شرح حال سرجا، میان او و پسرش عقیل خلط کرده و ردیه‌ای از او بر ابن کمونه یا التنقیح ذکر نکرده است.

**اسماعیل‌پاشا در هدیه العارفين نام او را چنین آورده است:** «سرجا زین‌الدین مصری ملطی» و پس از ذکر تاریخ وفاتش، نام ۵۸ کتاب از او را در موضوعاتی چون ریاضی، منطق، کلام، عرفان، تاریخ، ادب و فقه درج کرده که از جمله آن‌ها نهوض حثیث اليهود إلى دحوض خبیث اليهود است که ردیه‌ای بر ابن کمونه در بحث ادیان سه‌گانه است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> بدیع النظام الجامع بین أصول البزدوي والإحکام، ابن‌ساعاتی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)، ابوالعباس مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی بغدادی، تحقیق مصطفی محمود ازهری و محمدحسین دمیاطی، دارالین‌القیم و دارالین‌عفان، ۱۴۳۹ ق، چاپ دوم.

<sup>۲</sup> هدیه العارفين في اسماء المؤلفين، اسماعیل‌پاشا، ج ۱، برگه ۳۸۲-۳۸۳.



دین‌پژوهی از منظر ابن کمونه

۳۰

وی در ذکر این کتاب دچار خطا شده و واژه «دحوض» را به جای «خوض» آورده است. اسماعیل پاشا از جمله تألیفات او ردیه‌ای بر شیعه با عنوان سدّ الفریق المظهر و صد الفسیق اعنی ابن المطهر الشیعی را برشمرده است که آن را در ردّ بر کتاب منهج السلامة نوشته است. ابن مطهر که در میان شیعیان به علامه حلی حسن بن یوسف (د: ۷۲۶ق / ۱۳۲۶م) معروف است، صاحب تألیفات بسیاری می‌باشد.

### رساله‌ای در اثبات نبوت‌ها

تاکنون نه نسخه‌ای از النهوض ماردینی می‌شناسیم و نه الدر المنضود ابن ساعاتی، اما به تازگی ردیه‌ای بر التنقیح پیدا شده که مؤلف آن مشخص نیست.<sup>۱</sup> این رساله کوتاه تقریباً در ۲۲۰ سطر در ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه حمیدیّه استانبول به شماره ۱۴۴۷ نگه‌داری می‌شود.

فیلمی از این نسخه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آورده شده و با شماره ۱۹۵ در آن جا ثبت گردیده است. نگارنده نسخه عکسی آن را گرفته و از روی آن نسخه‌ای استنساخ کرده و تا حد امکان تصحیح نموده است.

با توجه به این که رساله به همین منحصر است، تا حدّ زیادی مغلوط است و این ردیه رساله دوم از این مجموعه است که نسخه‌نویس آن را رساله فی اثبات النبوات نامیده و بعد از آن رساله جواهر الکلام و قبل از آن رساله نزهة الأرواح را نوشته است. نگارنده تردیدی ندارد که این ردیه یکی از دو ردیه ماردینی یا ابن ساعاتی ذکر شده در کشف الظنون است، بلکه آن چنان که مشخص است، سومین ردیه پس از آن دو رساله است.

**آغاز رساله چنین است:** الحمد لله حمد مسترشد بنور هدايته ... و اصلي على القديسين من ملائكته ... و بعد لما تأملت في الرسالة المنسوبة إلى الحكيم الفاضل عزالدولة سعد بن منصور في تنقيح الأبحاث لملل الثلاث وجدت فيها كثيراً من التعسفات الفاسدة ... و مع شهرته بالحكمة و تصانيفه في العلوم الحكمية كيف يكون مطية للتقليد ... فانّ الحكيم يجب أن يعتصم بحبل الفطانة و الرشاد و لا يكون قانعاً بما اخذ من الآباء و كان خاطري في أثناء المطالعة ملتقياً إلى أجوبة اعتراضات الحكيم العلامة مؤيد الدين سموئيل، حتى انّ الزمان ساعدني فحررتها مرتبة على بابين:

<sup>۱</sup> پرفسور پرلمان در مقدمه‌اش بر التنقیح گفته است: پرفسور م. تانجی این کتاب را در کتابخانه سلیمانیه استانبول یافته است.

دین‌پژوهی از منظر ابن‌کمونه

۳۱

- الأول في أحكام الإسلام؛

- و الثاني في مذمة اليهود ...

شاید هم وی این رساله را به عنوان تعلیقات التنقیح نوشته و سپس آن را به صورت کتاب در دو باب کرده است.

### باب اول

در اثبات اسلام است که شامل هفت فصل می‌باشد.<sup>۱</sup>

**فصل اول** کلیاتی درباره اعتقادات اسلام است.

**فصل دوم** درباره اثبات نبوت محمد (ص) است. مؤلف در این فصل با استفاده از اشکال چهارگانه منطق و ترکیب صغری و

کبری به بیان مطالب می‌پردازد. برای مثال:

**صغری:** محمد (ص) مدعی نبوت شد و معجزه‌ای پدیدار نمود.

**کبری:** هر کسی که چنین باشد، پس او نبی است. نتیجه‌گیری می‌شود که محمد (ص) نبی است.<sup>۲</sup>

**در فصل سوم** به صغری و جواب آن پاسخ داده می‌شود. در این فصل بسیاری از تشکیکات التنقیح ذکر گردیده و به آن

پاسخ داده شده است.

**فصل چهارم** در ردیه‌های بر قرآن و به ویژه اعتراضات و پاسخ به آن است. در این فصل از تفسیر کبیر فخر رازی نقل شده

است.

**فصل پنجم** اثبات نبوت محمد (ص) بر اساس تورات است. به نظر می‌رسد که مؤلف نص آیه‌ای را که از تورات نقل می‌کند،

ندیده و آن را با واسطه نقل می‌کند.

**فصل ششم** درباره کامل بودن نبوت حضرت محمد (ص) و معجزات اوست که مؤلف آن را به پیروی از خواجه نصیر به دو

بخش:

<sup>۱</sup> در مقدمه عبارت «عشرة فصول» (ده فصل) آمده، اما باب اول هفت فصل است.

<sup>۲</sup> این را از فخر رازی گرفته است.

دین‌پژوهی از منظر ابن‌کمونه

۳۲

- معجزات گفتاری؛

- و معجزات عملی تقسیم کرده است.

**فصل هفتم** دربارهٔ این موضوع است که چون حضرت محمد (ص) خاتم النبیین است، شریعتش منسوخ نمی‌شود.

### باب دوم

به شریعت یهود اختصاص دارد و شامل ده فصل است که عناوین آن‌ها به ترتیب از این قرار است:

- نسخ از نظر عقلی جایز است؛

- شریعت یهود با شریعت مسیحیت منسوخ است؛

- نقض تواتر یهود؛

- تاریخ تورات و نسخه‌های مختلف آن؛

- اثبات تحریف تورات؛

- جهالت یهود؛

- بلاهت یهود؛

- حقارت یهود؛

- شرارت یهود؛

- سفاهت یهود.

**رساله نیز چنین پایان می‌یابد:** ... و الأفعال المذمومة يدل على رداء جوهرهم و كدورة روحهم و خسارة طبعهم و مذلة طينتهم. اولئك لعنهم الله و يلعنهم اللاعنون. هذا آخر ما اردنا ايراده في هذه الرسالة.

چنان که از این عبارات و عناوین فصل‌های پایانی بر می‌آید، بیشتر آن‌ها دشنام‌ها و بدگویی‌های بدون استدلال منطقی است.

## ردیة ابن محرومه

در حواشی نسخه التنقیح کتابخانه آنجلیکا<sup>۱</sup> تعلیقاتی از ابوالحسن بن ابراهیم بن محرومه مسیحی وجود دارد که ردیه‌هایی به التنقیح درباره یهود و نصاری است.

**ابن محرومه در آغاز چنین می‌نویسد:** قال صاحب الحواشی قدسه الله وقعت واقعة اقتضت أن أكتب هذه الحواشی فی أثناء الكلام علی ملتی اليهود و النصاری دون غیرهما من هذه الکتاب ...

وی هنگامی که درباره این قول که اقنوم پدر همان ذات و اقنوم پسر همان کلمه است (بند ۱۶۲: ۴) بحث کرده، گفته است: من به رضایت همه فرق دین نصرانی متعهد نیستم، اما به طور مطلق به رضایت مسیحیت و نه دیگران ملتزم هستم. به نظر می‌رسد که ابن محرومه در نیمه قرن ۱۴ میلادی می‌زیسته است. این مسأله از قول وی در تعلیق بند «۱۸۷: ۱» درباره نشانه‌های ظهور برمی‌آید که گفته است: «مسیح بعد از ۱۳۰۰ سال به قتل رسیده است».

**وی هم چنین گفته است:** او بر ظن بسیاری از علمایشان (یعنی یهود) تفوق یافته است که آمدن مسیح سی سال قبل، یعنی پیش از ۷۷۰ هجری باشد. این مسأله نشان می‌دهد که تألیف این تعلیقات در حدود سال ۷۴۰ ق، یعنی سال ۱۳۳۹ م صورت گرفته است. ابن خلدون نیز از یعقوب بن اسحاق کندی در کتاب الجفر نقل کرده که مسیح در سال ۶۹۸ ق / ۱۲۹۸ م نزول خواهد کرد (المقدمة، فصل ۵۲، باب ۲، کتاب اول).

دو تعلیق کوتاه بر باب اول وجود دارد که موسی پرلمان در نسخه چاپ شده التنقیح آن‌ها را آورده است و احتمال می‌رود که از ابن محرومه باشد. اسلوب تعلیق این امر را تأیید می‌کند.

تعلیقات ابن محرومه نشان می‌دهد که وی به تورات حمله کرده و آن چه را که مسلمانان از تحریف و تغییر آن می‌گویند، او نیز تکرار می‌کند.

در تعلیق ۱۳ ابن محرومه و نیز دو تعلیق چاپ شده در صفحه ۱۵ باب اول التنقیح این مسأله به چشم می‌خورد. هم‌چنان که او در تعلیق ۱۱ به جاعل تورات نسبت جهل نیز داده و در تعلیق ۲۳ از سموئیل مغربی و کتابش افحام الیهود دفاع می‌کند.

<sup>۱</sup> Bib. ANGELICA, Ort. 15.

دین‌پژوهی از منظر ابن‌کمونہ

۳۴

در تعلیق ۴۴ ابن‌محرومه به بررسی گفته مؤلف التنقیح دربارهٔ یک مسألهٔ روان‌شناسی می‌پردازد که نشان می‌دهد به اصطلاحات این احاطه داشته است.

### ردیه سمرقندی

شاید بتوان از سخنان آتی ابن‌محرومه چنین نتیجه گرفت که شمس‌الدین سمرقندی معاصر ابن‌کمونہ نیز ردیه‌ای بر تنقیح نوشته؛ یا تعلیقاتی بر برخی از رسائل ابن‌کمونہ داشته است.

**مؤلف التنقیح در باب سوم گفته است:** «اما یکی بودن (اتحاد) غیر معقول است».

این استدلال صاحب التنقیح دربارهٔ بطلان یکی بودن اقلیم ثلاثه است.

ابن‌محرومه دربارهٔ این نظر می‌نویسد که اگر ما بخواهیم از روی تسامح صحت این گفته را بپذیریم، به ما زبانی نمی‌رساند؛ زیرا ما معتقدیم که این اتحادی را رد نمی‌کند که از تمام جنبه‌ها با ما سوای خود متفاوت است.

حقیقت این است که این گفته، با این که در آثار بسیاری ذکر شده، نادرست است و کسی که بر نادرستی آن آگاهی داده علامه شمس‌الدین سمرقندی در کتاب شرح الصحائف الإلهیة است.

سمرقندی که ابن‌محرومه از او نقل کرده، حکیم شمس‌الدین محمد بن اشرف سمرقندی است و چنان که اسماعیل‌پاشا نوشته در ۶۹۰ق / ۱۲۹۱م زنده بوده و در الذریعة آمده است که در سال ۶۸۸ق در تبریز بوده است. از جمله آثار وی می‌توان به آداب الفاضل، أشكال التأسیس (هندسه)، الصحائف (کلام)، المعارف فی شرح الصحائف، قسطاس المیزان (منطق)، مفتاح النظر (شرح مقدمة الجدل نسفی) و المنیة و الأمل فی علم الجدل اشاره کرد.

شرح مختصری دربارهٔ الصحائف است که چلبی در کشف الظنون (برگه ۱۹۷۵) آن‌ها را، از جمله شرح خود مؤلف را با عنوان المعارف فی شرح الصحائف ذکر کرده است.

نسخهٔ المعارف، به گفتهٔ آقابزرگ در ذیل کشف الظنون (برگه ۶۰)، در کتابخانهٔ محمدحسن کبه بغداد نگه‌داری می‌شود. این نسخه به خط احمد بن عثمان است که مؤلف آن را در سال ۷۳۶ق تألیف کرده است.

## کتاب‌نامه

## نمایه کتاب و مقاله

*Bib. ANGELICA, Ort. 15.*

*Ed. M. Perlman (New York, 1964). Proceedings of the American Academy for Jewish Research, Vol. XXXII.*

ابن سینا کرائد لرباعیات خیام، هاشمی حلبی، محمدیحیی، مجله الدراسات الادبیه، بیروت: دانشگاه لبنان، س ۵، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۹۶۳ - ۱۹۶۴.

الاتجاه الاشرافي في فلسفة ابن سینا، مرفت عزت بالی، دار النشر دارالجيل للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت، ۱۹۹۴ م  
اخبار الحکمای قفطی، چ. لیبرت. دیگر: اخبار العلماء بأخبار الحکماء، ابن قفطی، جمال الدین ابوالحسن علی فرزند قاضی اشرف یوسف شیبانی (۵۷۷ - ۶۴۶ ق / ۱۱۶۷ - ۱۲۴۸ م)، چاپ لایپزیک ۱۹۰۳ م؛ دیگر: چاپ مصر، ۱۳۲۶ ق؛ تاریخ الحکماء، برگردان پارسی اخبار العلماء، از ناشناسی در سال ۱۰۹۹ ق به دستور شاه سلیمان صفوی، تصحیح بهین دارایی، تهران، ۱۳۴۷ خ.

آداب الفاضل، حکیم شمس الدین محمد بن اشرف سمرقندی (ز: ۶۹۰ ق / ۱۲۹۱ م)

الأربعین، ابن خطیب شافعی فخرالدین رازی (۵۴۳ - ۶۰۶ ق / ۱۱۴۸ - ۱۲۰۹ م)، محمد فرزند عمر فرزند حسین فرزند حسن فرزند علی تمیمی بکری طبرستانی

اشارات و التنبيهات، ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا (۳۷۵ - ۴۲۸ ق / ۹۸۰ - ۱۰۳۷ م)

الإشارات و التنبيهات، ابوعلی ابن سینا، حسین (۳۷۰ - ۴۲۸ ق)، پژوهش مجتبی زارعی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ خ.

أشكال التأسيس (هندسه)، حکیم شمس الدین محمد بن اشرف سمرقندی (ز: ۶۹۰ ق / ۱۲۹۱ م)

الأضحوية في المعاد، ابوعلی ابن سینا، حسین (۳۷۰ - ۴۲۸ ق)، تحقیق سلیمان دنیا، ۱۹۹۴؛ ترجمه رساله اضحویه، نویسنده ناشناس، پارسی تصحیح به همراه تعلیقات حسین خدیوچم بر اضحویه، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ خ.

- اعجاز المهندسين، سموئيل مغربى (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤيدالدين سموئيل بن ابوالبقاء يحيى بن عباس مغربى
- افحام اليهود، سموئيل مغربى (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤيدالدين سموئيل بن ابوالبقاء يحيى بن عباس مغربى
- الأقربادين في تسعة و أربعين باباً، سموئيل مغربى (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤيدالدين سموئيل بن ابوالبقاء يحيى بن عباس مغربى
- اناجيل اربعه، الانتصار فى الرد على ابن الراوندى الملحد، الخياط، ابوالحسن، نبرك، بيروت، ۱۹۵۷ م.
- ايضاح المكنون في الذيل على كشف الظنون عن اسامي الكتب و الفنون، محمد شرف الدين و معلم رفعت بيلكه كليشى، چاپ استانبول - تركيه ۱۹۴۵ و ۱۹۴۷ م / ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ ق.
- الايضاح و البيان، حسين بن وليد (د: ۶۶۷ ق / ۱۲۶۸ م)،
- بديع النظام الجامع بين أصول البزدوي و الأحكام، ابن ساعاتى، مظفرالدين احمد بن ثعلب بن ابوضياء بعلبكي بغدادى (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)
- بديع النظام الجامع بين أصول البزدوي و الأحكام، ابن ساعاتى (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)، ابوالعباس مظفرالدين احمد بن ثعلب بن ابوضياء بعلبكي بغدادى، تحقيق مصطفى محمود ازهرى و محمدحسين دمياطى، دارالبن القيم و دارالبن عفان، ۱۴۳۹ ق، چاپ دوم.
- تاريخ الحكماء قبل ظهور الاسلام و بعده [نزهة الأرواح و روضة الأفراح]، شهرزورى، شمس الدين محمد فرزند محمود (ز: ۶۸۷ ق)، پژوهش ابو شويرب، عبدالكريم، داربيبيون، پاریس، فرانسه، ۲۰۰۷ م.
- تاريخ الحكماء، ابن قفطى، لايبيزىك، ۱۹۰۳ م؛ ديگر: اخبار الحكماء قفطى، ج. لپيرت. ديگر: إخبار العلماء بأخبار الحكماء، ابن قفطى، جمال الدين ابوالحسن على فرزند قاضى اشرف يوسف شيبانى (۵۷۷ - ۶۴۶ ق / ۱۱۶۷ - ۱۲۴۸ م)، چاپ لايبيزىك ۱۹۰۳ م؛ ديگر: چاپ مصر، ۱۳۲۶ ق؛ تاريخ الحكماء، برگردان پارسى إخبار العلماء، از ناشناسى در سال ۱۰۹۹ ق به دستور شاه سليمان صفوى، تصحيح بهين دارابى، تهران، ۱۳۴۷ خ

دین‌پژوهی از منظر ابن‌کمون

۳۷

التفسیر الكبير، مفاتیح الغیب امام فخر رازی (۵۴۳ - ۶۰۶ق)، قاهره (بی تا)، چاپ افست تهران (بی تا)؛ دیگر: (ترجمه علی اصغر حلبی، تهران ۱۳۷۱خ).

تلخیص مجمع الآداب فی معجم الألقاب،

تمهیدات، عین القضاة همدانی، عبدالله فرزند محمد (۴۹۰ - ۵۲۵ق)، عقیف عسیران، تهران، ۱۳۴۱خ.

تنقیح الأبحاث لملل الثلاث، قدوة الحكماء عزالدوله و الدین ابن کّمونه، سعد فرزند منصور فرزند حسن فرزند هبة الله فرزند کمونه (د: ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)، تحقیق آقای دکتر علی نقی منزوی، چاپ استنسیل، ۱۹۷۲م؛ چاپ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳خ.

تنقیح الأبحاث، ابن کمونه، تحقیق موسی پرلمان، دانشگاه کالیفرنیا.

تهافت الفلاسفة و مقاصد الفلاسفة، غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱م) ابو حامد محمد بن محمد بن محمد بن محمد. امام حجت الاسلام غزالی طوسی، به کوشش موريس بريچ، المطبعة الكاثوليكية، بيروت، ۱۹۳۷م؛ دیگر: تحقیق سلیمان دنیا، دارالمعارف، مصر.

التوراة و النبوة الخاصة، سموئيل مغربي (د: ۵۷۰ق / ۱۱۷۴م)، ابوالنصر مؤيدالدين سموئيل بن ابوالبقاء يحيى بن عباس مغربي

تورات

الثقات العيون في سادس القرون، آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، بیروت، ۱۹۷۲.

الجبر و المقابلة، سموئيل مغربي (د: ۵۷۰ق / ۱۱۷۴م)، ابوالنصر مؤيدالدين سموئيل بن ابوالبقاء يحيى بن عباس مغربي الجفر، يعقوب بن اسحاق كندی

جواهر الكلام، ابن ساعی، مظفرالدين احمد بن ثعلب بن ابوضياء بعلبكي بغدادی (د: ۶۹۴ق / ۱۲۹۵م)

الحاوي في الطب، رازی، ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ق / ۸۵۵ - ۹۲۵م)، ابوبکر محمد بن زکریا بن يحيى طيب، چاپ مجلس دايرة المعارف، عثمانی، حیدرآباد، دکن هند، ۱۳۷۴ - ۱۳۹۰ق / ۱۹۵۵ - ۱۹۷۰م، ۲۵ جلد و بیروت، ۲۰۰۲، هشت



دین‌پژوهی از منظر ابن کمونه

۳۸

جلد؛ ترجمه محمدابراهیم ذاکر، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۵ - ۱۳۹۵ خ، ۲۳ جلد.

الحکمة الهیة، رازی، ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ ق / ۸۵۵ - ۹۲۵ م)، ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی طیب حکمت اشراق، شهاب‌الدین سهروردی (ک: ۵۸۷ ق / ۱۱۹۱ م)، چ. کربن، برگه ۱۱۰ - ۱۹۵.

الحوادث الجامعة و التجارب النافعة فی المائة السابعة، ابن الفوطی، بغداد، ۱۹۳۲ م.

الحوادث الجامعة و التجارب النافعة فی المائة السابعة، ابن الفوطی، ابن الفوطی المروزی الأصل، الشیبانی البغدادی، أبو الفضل کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد بن محمد (۶۴۲ - ۷۲۳ ق / ۱۲۴۴ - ۱۳۲۳ م)، دارالکتب العلمیة، بیروت.

حواشی ابن المحرومة علی کتاب تنقیح الأبحاث للملث لاین کمونة، ابن المحرومة (ز: ۱۲۹۶ م)، ابوالحسن بن ابراهیم بن یعقوب بن نختوما الخباز بن المحرومة، المكتبة البولسیة، رم، ایتالیا، ۱۹۸۴ م

الدر المنضود ابن ساعاتی

الدر المنضود فی الرد علی ابن کمونة فیلسوف الیهود، ابن ساعاتی، مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی بغدادی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)

الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة، ابن حجر العسقلانی، ابوالفضل شهاب‌الدین أحمد بن علی بن محمد کنانی (د: ۸۵۲ ق، دائرة المعارف العثمانیة، حیدرآباد، ۱۳۴۹ ق؛ دیگر: دارالجیل، بیروت، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م؛ دیگر: إحياء التراث العربی، ۲۰۱۲.

درس‌هایی درباره اسلام، نوشته ایگناس گلدزیهر (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱)، در سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۸۹۰ م چاپ شد؛ ترجمه دکتر علینقی منزوی، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۷ خ، دو مجلد، ۸۲۲.

دلالة الحائرين، ابن میمون، ابو عمران موسی فرزند میمون فرزند عبدالله قرطبی اسرائیلی قرطبی اندلسی (۵۳۰ - ۶۰۳ ق / ۱۱۳۵ - ۱۲۰۵ م)، تصحیح حسین اتای، استانبول، ۱۹۷۴ م و نیز در مصر، مكتبة الثقافة الدینیة، قاهره. دلالة الحائرين،

ابن میمون؛ ترجمه فرانسوی مونک *Munk*، 304، *Guide des è garè s 2*.

دینکرت، دین کرد، دانشنامه مُردیسنی یا درس‌نامه دین مزدایی زرتشتی، آذر فرنیغ پسر فرخزاد و آذریاد پسر امید.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۳۹

ذریعة الی تصانیف الشیعة. شیخ آقابرگ تهرانی [منزوی] ج ۱ تا ج ۳، نجف، ۱۹۳۵ م / ۱۳۵۵ ق؛ ج ۴ تا ج ۱۲، تهران، از سال ۱۳۲۱ خ تا ۱۳۴۰ خ، به کوشش علینقی منزوی؛ ج ۱۳ و ج ۱۴، نجف، ۱۹۵۹ م تا ۱۹۶۱ م؛ ج ۱۵ تا ۲۲، تهران، ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۳ خ، به کوشش احمد منزوی؛ ج ۲۳ تا ج ۲۵، ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ خ، به کوشش علینقی منزوی؛ ج ۲۶، ذیل اعداد و تنسیق، احمد اشکوری، مشهد، ۱۳۵۸ خ.

ذکری ابن سینا المقدمات الفلسفیه للتصوف السینوی، جاردیه، لویسک، قاهره، م. ۱۹۵۲  
ذیل کشف الظنون: نک: ایضاح المکنون.

رباعیات خیام

رحیل المتنبتین، رازی، ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ ق / ۸۵۵ - ۹۲۵ م)، ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی طیب  
الردّ علی المنطقیین و العقل و النقل، ابن تیمیه

الردّ علی الیهود، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی بن عباس مغربی  
رسالة فی اثبات النبوات، ابن ساعاتی، مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی بغدادی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)  
رسالة فی الجواب عما سألہ الزنادقة، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء  
یحیی بن عباس مغربی

رسالة ابن خدود فی المسائل الحسائیة، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء  
یحیی بن عباس مغربی

رسائل فلسفیه لمحمد بن زکریای الرازی، پل کراوس، ۱۹۳۶ م

سدّ الفتیق المظهر و صد الفسیق اعنی ابن المطهر الشیعی، ابن ساعاتی، مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی  
بغدادی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)

سیره الفلسفیه، ۱۶ برگه، از رسائل الفلسفیه رازی، تصحیح پُل کراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹ م  
السیره الفلسفیه، رازی، ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ ق / ۸۵۵ - ۹۲۵ م)، ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی طیب

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۴۰

الشامل في اصول الدين، ضياء الدين ابوالمعالي امام الحرمين عبدالملك بن عبدالله بن يوسف بن عبدالله شافعي جويني (۴۱۹- ۴۷۸ق / ۱۰۲۸- ۱۰۸۵م)

شرح الاصول و الجمل، ابن کمونه عزالدوله، سعد فرزند منصور ابن کمونه (د: ۶۸۳ق).

شرح الصحائف الإلهية، حكيم شمس الدين محمد بن اشرف سمرقندی (ز: ۶۹۰ق / ۱۲۹۱م)

شرح بیست و پنج مقدمه در اثبات باری تعالی از کتاب دلالة الحائرين ابن میمون، ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن محمد تبریزی، به کوشش مهدی محقق، ترجمه جعفر سجادی، زیر نظر چارلز آدامز، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل، تهران، ۱۳۶۰خ.

شرح مجمع البحرين (۲ جلد)، ابن ساعاتی، مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی بغدادی (د: ۶۹۴ق / ۱۲۹۵م) شکوک علی جالینوس، رازی، به کوشش دکتر مهدی محقق، تهران ۱۳۷۲خ، ۱۴۱۳ق.

الصحائف (کلام)، حكيم شمس الدين محمد بن اشرف سمرقندی (ز: ۶۹۰ق / ۱۲۹۱م)

طب الروحاني، ۹۶ برگه از رسائل الفلسفیه رازی، برگه ۱ - ۹۷، تصحیح پل کراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م.

الطب الروحاني، رازی، ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ق / ۸۵۵ - ۹۲۵م)، ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی طبیب

عیون الأنباء في الطبقات الأطباء، ابن ابی اصیبعه موفق الدین احمد خزرجی (۶۰۰ - ۶۶۸ق / ۱۲۰۴ - ۱۲۷۰م)، پژوهش امروالقیس فرزند طحان و احمد میهی فرزند حسن عبدالصمد، چاپخانه وهبی، مصطفی افندی وهبی، ۱۳۰۰ق، چاپ نوین آن، دارالثقافه، بیروت، لبنان، ۱۹۸۷ م / ۱۴۰۸ق؛ و به کوشش نزار رضا، بیروت، ۱۹۶۵م، برگردان محمدابراهیم ذاکر، انجمن گیاه درمانی، تهران، ایران، ۱۳۹۳خ.

الفلاحة النبطية، احمد بن علی بن قیس بن مختار بن عبدالکریم کسدانی صوفی ابن وحشیه (د: ۲۹۶ق / ۹۰۸م)

فهرست ابن الندیم، ابوالفرج محمد فرزند اسحاق، ابن ندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ق)، چاپخانه رحمانی مصر، چاپ ۱۳۴۸ق؛ دیگر: دارالمعرفة، بیروت؛ فهرست یا فوز العلوم، ابوالفرج محمد فرزند اسحاق، ابن ندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ق) به کوشش برگردان رضا تجدد، تهران، ۱۳۴۶خ؛ به کوشش مهین جهان بگلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶خ.

فهرست مجلس، ج ۱۲

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۴۱

قرآن

قسطاس المیزان (منطق)، حکیم شمس‌الدین محمد بن اشرف سمرقندی (ز: ۶۹۰ ق / ۱۲۹۱ م)

القوامی فی الحساب، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی بن عباس

مغربی

الکاشف، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ ق / ۱۲۸۴ م)، کتابخانه مجلس شورای ملی و دانشگاه تهران.

الکاشف، الجدید فی الحکمة، ابن کمونه عزالدوله، سعد فرزند منصور ابن کمونه (د: ۶۸۳ ق)، نسخه خطی مجلس شورای ملی تهران، ش ۵۳۸۳، برگ ۹۵ نسخه عکسی خودم [منزوی] در بیروت؛ به کوشش ویلفرد مادلونگ، زاینه اشمیتکه تصحیح یوسف ثانی، حامد ناجی اصفهانی، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۷ خ.

الکافی فی حساب الدرهم و الدینار، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی

بن عباس مغربی

کشف الظنون، چلبی، تهران، ۱۹۶۷؛ دیگر: الکشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه مصطفی فرزند عبدالله کاتب چلبی (۱۰۱۷ - ۱۰۶۷ ق)، پژوهش محمد شرف‌الدین یالتقا و معلم رفعت بیلگه کلیسی، استانبول، ترکیه، ۱۹۴۱ م / ۱۳۶۰ ق.

الکناش، رازی، ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ ق / ۸۵۵ - ۹۲۵ م)، ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی طبیب

لسان المیزان، ابوالفضل احمد فرزند علی فرزند محمد فرزند احمد فرزند حجر عسقلانی (د: ۸۵۲ ق)، تصحیح دائرة المعارف النظامية، هند، ۱۳۳۱ ق؛ چاپ دیگر: مؤسسه علمی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۱ م.

اللمعة الجویبیه، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ ق / ۱۲۸۴ م)، کتابخانه مجلس شورای ملی و دانشگاه تهران.

المثلث القائم الزاویه فی الهندسة، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی

بن عباس مغربی

مجمع البحرين و ملتقى النهرين في الفروع، ابن ساعاتی، مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی بغدادی (د:

۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)

دکتر علی نقی  
نیمزوی

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۴۲

- المحاكمات بين شرحى الاشارات، محاكمات بين الطوسى و الرازى، قطب‌الدین محمد بن محمد رازى معروف به قطب تحتانی (د: ۷۶۶ق / ۱۳۶۴م)
- المحصل، امام فخر رازى ابو عبدالله محمد فرزند عمر فرزند حسین فرزند حسن طبرستانی (۵۴۴ - ۶۰۶ق / ۱۱۴۹ - ۱۲۱۰م)، تصحیح حسین اتای، دارالتراث، قاهره، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱.
- مخاریق الانبیاء، رازى، ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ق / ۸۵۵ - ۹۲۵م)، ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی طبیب مرآة الجنان و عبرة الیقضان، یافعی (ج ۴، برگه ۲۷۲)
- المشتهر في نقض المعتبر لابي البركات، ظهیرالدین علی بن زید بیهقی (د: ۵۶۵ق / ۱۱۶۹م)
- المطالب المهمة، ابن کمونه، سعد فرزند منصور فرزند سعد (د ۶۸۳ق / ۱۲۸۴م)،
- المعارف في شرح الصحائف، حکیم شمس‌الدین محمد بن اشرف سمرقندی (ز: ۶۹۰ق / ۱۲۹۱م)، تحقیق عبدالله محمد عبدالله، المكتبة الأزهرية للتراث، ۲۰۱۷.
- المعارف في شرح الصحائف، شرح مختصر الصحائف نک: کشف الظنون، برگه ۱۹۷۵.
- المعارف، ابن قتیبه، عبدالله فرزند مسلم، وستنفلد، گوتینگن، ۱۸۵۰م؛ دیگر: به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۹۶۰؛ الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۲م.
- معالم اصول الدین، ابن خطیب شافعی امام فخرالدین رازى (۵۴۳ - ۶۰۶ق / ۱۱۴۸ - ۱۲۰۹م)، محمد فرزند عمر فرزند حسین فرزند حسن فرزند علی تمیمی بکری طبرستانی، چ. قاهره، ۱۳۲۳ق؛ دیگر: دارالکتاب العربی.
- المعتبر في الحكمة، هبة الله فرزند علی فرزند ملکا ابوالبركات بغدادی (۴۵۴ - ۵۴۷ق / ۱۱۵۲م)، مطبعة مجلس، دائرة المعارف العثمانية، حیدرآباد، دکن، ۱۹۳۸م؛ افسست و گردآوری فتحعلی اکبری، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳خ.
- معجم الأدباء؛ یا إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب، یاقوت حموی، دیوید سموئل مارگلیو، لیدن، ۱۹۰۷م؛ قاهره ۱۹۰۹م؛ برگردان عبدالحمید آیتی، تهران، ۱۳۹۱خ / ۲۰۱۲م.
- مفتاح النظر (شرح مقدمة الجدل نسفی)، حکیم شمس‌الدین محمد بن اشرف سمرقندی (ز: ۶۹۰ق / ۱۲۹۱م)

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۴۳

المفید الأوسط فی الطب، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی بن عباس مغربی

مقاصد الفلاسفة، أو تهافت الفلاسفة *The Incoherence of the Philosophers* غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱ م) ابو حامد محمد بن محمد بن محمد بن محمد. امام حجت الاسلام غزالی طوسی، تحقیق سلیمان دنیا، دارالمعارف، مكتبة عين الجامعة، مصر؛ دیگر: تحقیق محمود بیجو، مطبعة الصباح، دمشق، ۱۴۲۰ ق / ۲۰۰۰ م.

مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمان فرزند خلدون، چ. کاترمیر، همراه تعلیقات و برگزیده‌هایی از محیی‌الدین عربی؛ دیگر: چ. بولاق، ۱۲۸۴ ق؛ دیگر: ترجمه مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، عبدالرحمان فرزند خلدون، برگردان محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶ خ.

مقدمه اثبات النبوات، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی بن عباس مغربی

الملل و النحل، محمد فرزند عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ ق)، چاپ مصر، ۱۹۴۵ م؛ چاپ دیگر: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، لبنان، ۱۹۷۲ م؛ دیگری پژوهش گیلانی، چ. مصر، ۱۹۶۱؛ ملل و نحل، شهرستانی (د: ۵۴۸ ق / ۱۱۵۳ م)، ترجمه صدر ترکه اصفهانی. المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، ابن جوزی (۵۱۰ - ۵۹۷ ق / ۱۱۱۶ - ۱۲۰۰ م)، ابوالفرج عبدالرحمان بن ابوالحسین علی بن عبدالله قریشی بغدادی حنبلی فقیه حافظ تمیمی بکری، تصحیح و پژوهش نعیم زرزور، دارالکتب العلمیة، بیروت، لبنان، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.

المنقذ من الضلال، غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱ م) ابو حامد محمد بن محمد بن محمد. امام حجت الاسلام غزالی طوسی، برگردان زین‌الدین کیانی نژاد، بی‌جا، بی‌تاریخ؛ دیگر: توبه‌نامه غزالی. بعدها توسط ناصر طباطبایی ترجمه شد، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۹۰ خ.

منهاج السنة، ابن تیمیه

منهج السلامة

المنية و الأمل فی علم الجدل حکیم شمس‌الدین محمد بن اشرف سمرقندی (ز: ۶۹۰ ق / ۱۲۹۱ م)

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۴۴

- المنیر فی مساحة اجسام الجواهر الختلة [المختلطة]، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی بن عباس مغربی  
 موسی بن میمون و احواله، ولفنسون، اسرائیل (ابوذویب)، قاهره، ۱۳۵۵ ق.  
 مؤلفات و مصنفات رازی، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ خ.  
 النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، ابوعلی سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق)، چ. دانش پژوه، دانشگاه تهران؛ دیگر: النجاة، و هو فی الحکمة المنطقية و الطبيعية و الإلهية، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۳۱ ق / ۱۹۱۲ م.  
 نزهة الأرواح و روضة الأفراح [تاریخ الحکماء قبل ظهور الاسلام و بعده]، شهرزوری، شمس الدین محمد فرزند محمود (ز: ۶۸۷ ق)، ، حیدرآباد هند، ۱۹۷۶ م؛ دیگر: پژوهش ابو شویرب، عبدالکریم، داربیلیون، پاریس، فرانسه، ۲۰۰۷ م.  
 نزهة الأرواح، ابن ساعاتی، مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی بغدادی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)  
 نزهة الاصحاب فی معاشره الأحاب فی الباه، سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی بن عباس مغربی  
 نقض الأدیان، رازی، ابن زکریا (۲۵۱ - ۳۱۳ ق / ۸۵۵ - ۹۲۵ م)، ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی طبیب  
 نهاية المعقول، ابن خطیب شافعی فخرالدین رازی (۵۴۳ - ۶۰۶ ق / ۱۱۴۸ - ۱۲۰۹ م)، محمد فرزند عمر فرزند حسین فرزند حسن فرزند علی تمیمی بکری طبرستانی  
 نهاية الوصول إلى علم الاصول، ابن ساعاتی، مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی بغدادی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)  
 نهوض حثيث النهود إلى خوض خبيث اليهود، شيخ سريجا بن محمد ملطي مارديني شافعي (د: ۷۸۸ ق / ۱۳۸۶ م)  
 نهوض حثيث النهود إلى دحوض خبيث اليهود، ابن ساعاتی، مظفرالدین احمد بن ثعلب بن ابوضیاء بعلبکی بغدادی (د: ۶۹۴ ق / ۱۲۹۵ م)  
 الهداية الى فرائض القلوب، یحیی بن یوسف بن باقودا اندلسی، ترجمه ابراهیم سالم بن بنیامین یهودا، المطبعة البريلية، لیدن، ۱۹۰۷ - ۱۹۱۲،  
 هدية العارفين أسماء المؤلفين و آثار المصنفين، اسماعیل پاشا بغدادی فرزند محمدامین بابانی، وزارت معارف، استانبول، ۱۹۵۵.

دین پژوهی از منظر ابن کمونه

۴۵

الهندی (احتمال می‌رود الهندباء باشد) سموئیل مغربی (د: ۵۷۰ ق / ۱۷۴ م)، ابوالنصر مؤیدالدین سموئیل بن ابوالبقاء یحیی بن عباس مغربی

دکتر علی نقی  
نیم‌سنزوی